

مدرسه مهدوی

(درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز ظهور)

سیدمهدی موسوی*

چکیده

زمینه‌سازی ظهور یعنی آماده کردن جامعه متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی برای ظهور منجی بشر. از این رو، توجه به نقش انسان و نیروسازی، امری مهم و حیاتی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات اجتماعی است. به همین دلیل، مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقش محوری و مهمی را در زمینه‌سازی برای ظهور ایفا می‌کند. از سوی دیگر، آموزه مهدویت و انتظار از ظرفیت‌ها و دلالت‌های فراوان تربیتی برای تأسیس فلسفه و نظام آموزش و پرورش مهدوی برخوردار است. از این رو، دولت زمینه‌ساز باید به سیاست‌گذاری در امر تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه مهدویت و انتظار اهتمام ورزد.

واژگان کلیدی

زمینه‌سازی، تحولات اجتماعی، مهدویت، انتظار، نیروسازی، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش.

مقدمه

زمینه‌سازی، آماده کردن علل و شرایط تحقق یک پدیده است. این شرایط یا در جامعه وجود دارد یا وجود ندارد. اگر شرایط تحقق پدیده‌ای در جامعه‌ای وجود داشته باشد، زمینه‌سازان باید به تقویت و توسعه آنها بپردازند. چنانچه جامعه‌ای از آن شرایط خالی بود، زمینه‌سازان باید به تغییر و تحول وضعیت موجود دست زنند تا زمینه تحقق آرمان یا نهضتی را فراهم سازند. از این رو، مطالعه و بررسی پدیده تغییر و تحول اجتماعی و جنبه‌های تکاملی و ارتجاعی آن، شدت و ضعف و میزان تداوم آن و علل و عوامل آن از نظر زمینه‌سازی و فراهم کردن شرایط برای رسیدن به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های هر ملت و جامعه زنده‌ای، ضروری و حیاتی است. پس از شناخت دقیق جنبه‌های گوناگون این مسئله می‌توان از زمینه‌سازی و تغییر و تحول اجتماعی برای ظهور بحث کرد.

فرضیه مطرح شده در این مقاله آن است که زمینه‌سازی ظهور، آماده کردن جامعه متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی برای ظهور منجی بشر است. از این رو، توجه به نقش انسان و نیروسازی، امری مهم و حیاتی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات اجتماعی است. به همین دلیل، تعلیم و تربیت در زمینه‌سازی برای ظهور، نقش محوری و مهمی ایفا می‌کند. دولت زمینه‌ساز نیز باید به سیاست‌گذاری در تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه مهدویت و انتظار اهتمام ورزد. در ابتدا باید گفت این مقاله، درآمدی بر بخشی از این موضوع مهم و حیاتی است و نیازمند نقد و نظر فراوان و ورود به دیگر حوزه‌های فلسفی و راه‌بردی آن است.

نقش تربیت در تغییرات اجتماعی

بحث از محرک تغییر و تحول در تاریخ و اجتماع در میان اندیشه‌ورزان، بحثی جنجالی و دامنه‌دار است. فیلسوفان تاریخ و سیاست و برخی اندیشه‌ورزان علوم اجتماعی درباره چگونگی و عوامل تغییرات اجتماعی، فرضیه‌های مختلفی عرضه داشته و هر نظریه‌پردازی با توجه به اصول و مبانی فلسفی و جهان‌بینی خود، به تبیین ماهیت تغییرات اجتماعی و علل و عوامل ایجاد تغییر و تحول در فرد و جامعه پرداخته‌اند.^۱

در یک تقسیم‌بندی، نظریه‌های تحولات سیاسی و اجتماعی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

یکم. دیدگاه‌هایی که معتقدند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی به دلایل ساختاری اتفاق می‌افتد. این نظر از اکثریت برخوردار است.

دوم. دیدگاه بعضی از دانشمندان علوم اجتماعی آن است که تغییر و تحولات را ارادی و مربوط به انسان می‌دانند.^۲

در این جا فرصت پرداختن به تمامی نظریه‌های یادشده نیست. از این رو، فقط به دیدگاه دوم اشاره می‌شود که مختار این مقاله است. دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر

زمینه‌سازی، آماده کردن علل و شرایط تحقق یک پدیده است. این شرایط یا در جامعه وجود دارد یا وجود ندارد. اگر شرایط تحقق پدیده‌ای در جامعه‌ای وجود داشته باشد، زمینه‌سازان باید به تقویت و توسعه آنها بپردازند. چنانچه جامعه‌ای از آن شرایط خالی بود، زمینه‌سازان باید به تغییر و تحول وضعیت موجود دست زنند تا زمینه تحقق آرمان یا نهضتی را فراهم سازند

از اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان بزرگ اسلامی معاصر، از جمله دیدگاه‌های نوع دوم است که با استفاده از آن، به تبیین علل و عوامل ایجاد تغییر و تحول می‌پردازیم.

از دیدگاه شهید صدر، تغییرات اجتماعی که سرچشمه‌ای الهی دارد، از نظر پیام، ربطی به عوامل خارجی ندارد؛ زیرا پیامی که زیربنای این تغییرات است، الهی و آسمانی است و شرایط خارجی در آن مؤثر نیست. با این حال، از جنبه اجرایی، به عوامل بیرونی متکی است و موفقیت و زمان انجامش بستگی به آن دارد. از این رو، سنت تغییرناپذیر الهی بر این است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی به عوامل خارجی، فضای مناسب و جوّ عمومی بستگی داشته باشد.^۲ سید محمدباقر صدر در بحث سنت‌های الهی در قرآن کریم، با استفاده از آیه: *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*^۴ این نظریه را مطرح کرده است که علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات، خواست و اراده خود انسان است. این خواست و اراده هنگامی که در کنار اندیشه جدید قرار بگیرد، سمت و سوی آن تغییر می‌کند. بر اساس نظریه «محتوای باطنی انسان» شهید صدر، فکر و اراده، ضمیر انسان را تشکیل می‌دهند که با آمیزش این دو، هدف‌های انسان تحقق می‌یابد. بنابراین، پس از آن که اندیشه و باور انسان تغییر کرد، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهد کرد. پس تغییر در محتوای باطنی انسان‌ها عاملی سرنوشت‌ساز به شمار می‌آید. وی می‌نویسد:

سازنده حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده اوست و ساختمان جامعه در سطح روبنا با همه پیوندها، سازمان‌ها، اندیشه‌ها و خصوصیاتش روی زیربنای محتوای باطنی انسان قرار دارد و هرگونه تغییر و تکاملی نسبت به روبنای آن، تابع تغییر و تکامل این زیربناست و با تغییر آن، روبنای جامعه تغییر می‌کند.^۵ با به هم آمیختن فکر و اراده، قدرت‌سازندگی و نیروی حرکت‌آفرینی فعالیت تاریخی بر صحنه اجتماعی تحقق می‌یابد.^۶

از دیدگاه شهید صدر، تغییر اوضاع و احوال یک قوم و ملت، از تغییر درونی خود آن قوم و ملت تغذیه می‌کند. از این رو، عمل تغییر در ظاهر و باطن باید دوش به دوش هم پیش رود تا انسان بتواند باطن خود یعنی اندیشه و اراده و امیالش را بسازد. هرگاه

این دو عمل یعنی تغییر باطن و تغییر ظاهر از دیگری جدا شد، حقیقت خود را از دست می‌دهد. صدر با استفاده از آیه ۲۰۴ سوره بقره^۷ می‌نویسد:

وقتی انسان کار تغییر و دگرگونی بر دلش نشست و در اعماق روحش اثر نگذاشت و خود را از درون نساخت، هیچ‌گاه نخواهد توانست سخن حق را به کار بندد و در نتیجه، تا وقتی کلمات حق از قلبی شاداب از ارزش‌های انسان که محتوای سخن حق است، برنیاید، هیچ‌گاه تحولی در بنای جامعه صالح صورت نخواهد گرفت. در غیر این صورت، سخن حق، الفاظی توخالی و بی‌معنا و بی‌محتوا خواهد بود.^۸

وی در ادامه، ایده‌آل بزرگ انسان را تشکیل‌دهنده محتوا و مضمون باطنی انسان می‌داند که حرکت‌آفرین چرخ‌های تاریخ است. ایده‌آل بزرگ در مرکز همه هدف‌های انسان قرار دارد و بازگشت همه هدف‌ها به سوی اوست. از این رو، به هر اندازه که جامعه بشری دارای وسعت، صلاحیت و عظمت بیشتری باشد، به همان اندازه، هدف‌هایش صلاحیت و وسعت بیشتری خواهد داشت و هر اندازه محدود و پست باشد، هدف‌هایش محدود و پست خواهد بود. آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها مسیر جامعه‌ها را مشخص می‌کند و نیروی روحی جامعه نیز متناسب با ایده‌آل و آرمان بزرگ مردم آن جامعه به حرکت در می‌آید. شهید صدر در این باره می‌نویسد:

ایده‌آل است که حرکت تاریخ را از خلال وجود ذهنی انسان، آمیخته با اراده و اندیشه‌اش هدایت می‌کند و این، هدف‌هایی که به حرکت‌آورنده چرخ‌های تاریخ است، به وسیله ایده‌آل تنظیم می‌گردد.^۹

شهید صدر در ردّ نظریه‌هایی که عامل محرک تاریخ را در ابزار مادی و ساختارهای اجتماعی جست‌وجو می‌کنند، چنین می‌نویسد: این ابزار و آلات مادی برای کسانی که روحیه خود را ساخته‌اند و از درون پوسیده‌اند، به چه کار می‌آید؟ چه‌بسا در طول تاریخ که کاخ یک تمدن بزرگ با اولین تلنگر فرو ریخته است، چرا؟ برای این که چنین بنایی در واقع از قبل فرو ریخته بوده است و هیچ‌گونه پشتوانه و تکیه‌گاهی نداشته است.^{۱۰}

با توجه به نقش اصلی عامل انسانی در تغییرات اجتماعی،^{۱۱} توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی مهم‌ترین رکن زمینه‌سازی و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای نوسازی، است. این کار نیز در پرتو گزینش ایده‌آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. برای تغییر و نوسازی باید انسان‌ها آموزش ببینند و مهیای پذیرش تحول و نوسازی باشند.^{۱۲} ساختارها، مؤلفه‌ها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی یک جامعه بدون برخورداری از تعلیم و تربیت متناسب، رو به فروپاشی خواهد رفت. در جهان امروز، آینده به کسانی تعلق دارد که قاعده‌های تحول را درک می‌کنند و بر این اساس، مهندسی اندیشه و رفتار خود را از نو سازمان می‌دهند. برخی نیز معتقدند برای حل مشکلات موجود جهانی، سه راه‌حل وجود دارد؛ جنگ، انقلاب و تربیت. به اعتقاد آنان، جنگ، کابوس تصویرناپذیر است و انقلاب، روش بیم‌ناکانه. در این میان، تربیت، انسان را به آرامی رو به تکامل می‌برد و او را متوجه امکانات خلاقانه خود می‌کند.^{۱۳} تعلیم و تربیت، مجموعه‌ای از تدابیر با هدف پرورش دادن استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن و شکوفاسازی شخصیت انسان است.^{۱۴} مدرسه نیز به عنوان کانون علم و آموزش، مهم‌ترین نهاد تربیتی در شکل‌دهی به شخصیت و آرمان‌های انسان به شمار می‌رود که در رشد، توسعه و ارتقای انسان و تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی و حرکت جامعه به سوی آرمان‌ها نقش بسزایی دارند. به همین دلیل، افلاطون می‌نویسد:

دولت خوب، فقط با آدم‌های خوب به وجود می‌آید، اما انسان خوب، خود، محصول دولت نیک است.^{۱۵}

ارسطو نیز می‌گوید:

در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز، حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود، در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند.^{۱۶}

بنابراین، امروزه به تعلیم و تربیت نه به عنوان یک ابزار، بلکه به عنوان یک فرهنگ تأثیرگذار می‌نگرند. هرگونه تغییر اجتماعی و حرکت اصلاح‌طلبانه باید از طریق تعلیم و تربیت، آن هم معطوف به نسل جوان و نوجوان آغاز شود و آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان نهاد پیشرو به این اهداف مدد رساند.^{۱۷} آر. اس. پیترز محصول آموزش و پرورش را تغییر و تحول در سه حوزه می‌داند که عبارتند از:

۱. تحول رفتاری و درک بهتر هم‌نوعان؛

۲. تحول به گونه‌ای که درک ما را از جهان وسعت و عمق ببخشد؛

با توجه به نقش اصلی عامل انسانی در تغییرات اجتماعی، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی مهم‌ترین رکن زمینه‌سازی و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای نوسازی، است. این کار نیز در پرتو گزینش ایده‌آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. برای تغییر و نوسازی باید انسان‌ها آموزش ببینند و مهیای پذیرش تحول و نوسازی باشند

همه می‌دانند که حضرت مهدی کارش محدود به یک منطقه و یک بخش از جهان نیست و بایستی همه بشر را از تاریکی ستم به روشنایی عدل، رهنمون گردد. برای اجرای چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست، وگرنه در همان زمان پیامبر این شرط وجود داشت. پس این تحول بزرگ، فضای مناسب جهانی می‌طلبد که همه زمینه‌های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد.^{۲۱}

رسول خدا در بیان علایم آخرالزمان، از گروه‌هایی خبر داده است که خود را از قبل برای قیام حضرت مهدی آماده ساخته‌اند. ایشان می‌فرماید:

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی فراهم می‌سازند.^{۲۲}

نیز می‌فرماید:

پرچم‌های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن است. پس هر کس از حرکت آنان آگاهی یافت، به سوی‌شان برود و با آنان بیعت کند؛ هرچند لازم باشد که روی یخ حرکت کند.^{۲۳}

حضرت امیرالمؤمنین علی در روایتی می‌فرماید:

بُنِيَ إِذَا مَا جَاشَتِ التُّرْكُ فَانْتَظِرْ وَايَةَ مَهْدِيَّ يَقُومُ فَيَعْدِلُ؛^{۲۴}

فرزندم! هرگاه دیدی که ملت ترک [برای حمایت از امام مهدی] در حال جمع‌آوری سپاه و نیرو است، پس منتظر ظهور مهدی باش که عدالت را برپا خواهد کرد.

نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه‌سازی ظهور است. آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، نیازمند جلب نیرو و تعلیم و تربیت آنهاست. از این رو، منتظران باید نیروهای بالقوه را برای نیروسازی حکومت مهدوی آماده سازند و با تربیت آنان، اهداف و ماهیت آن را اشاعه دهند. این نیروسازی باید همواره استمرار و دوام داشته باشد تا زمینه برای اصلاح جامعه و آمادگی برای تحقق عدالت جهانی فراهم شود. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت

۳. وسعت بخشیدن به توانایی ما در انجام امور مربوط به جهان.^{۱۸}

به‌طور خلاصه، نظام آموزش و پرورش دارای دو دسته کارکرد اساسی است که عبارتند از:^{۱۹}

۱. مهارت‌آموزی، انتقال و تولید دانش: این دسته از کارکردها، معطوف به آموزش مهارت‌ها و تخصص‌های افراد جامعه و انتقال میراث دانشی و علمی بشر است که باید از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و با انباشت آن، زمینه‌های زاینده‌گی و تولید بیشتر دانش فراهم آید.

۲. ایجاد و انتقال هنجارها و ارزش‌های پیش‌نیاز تحول و تعبیه نظام شخصیتی متناسب با آن: از منظر این دسته از کارکردها، نظام آموزشی، عاملی اساسی در رشد شخصیت و کسب توانایی افراد برای حضور آگاهانه و فعال در جامعه است.

نقش تعلیم و تربیت در زمینه‌سازی ظهور

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی از جمله تغییرات اجتماعی است که سرچشمه‌ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود از نظر اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و بایستی فضای مناسب برای آن موجود باشد. خداوند توانایی دارد همه مشکلات و سختی‌ها را هموار، و با اعجاز، فضای مناسب ایجاد کند، ولی این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات، طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد. امام باقر می‌فرماید:

إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِيَّةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ وَجِبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ؛^{۲۰}

هرگاه به تعداد اصحاب شرکت‌کننده در جنگ بدر (۳۱۳ نفر) گرد امام جمع شوند، قیام و تغییر دادن امور بر ایشان واجب می‌شود.

بنابراین، مهم‌ترین رکن زمینه‌سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده‌آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. شهید صدر می‌نویسد:

صحيح داشته باشند که از تعليم و تربيت متناسب برخوردار باشند و بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه‌سازي داشته باشند. روشن است که مهم‌ترین وظیفه دولت امام مهدی ، ریشه‌کن کردن ستم و ستم‌گران از سطح جامعه و ساختن جامعه‌ای پاک و باطراوت در سراسر کره زمین است. پاک‌سازی جامعه انسانی از لوث وجود پلیدی‌ها مستلزم درگیری با پایگاه‌های سلطه اهریمنانی است که منافع خویش را فقط در دل سیاه جامعه دور از اولیای خدا یافته‌اند. پس آمادگی و پذیرش جامعه جهانی، فراهم بودن زمینه‌های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت و تعداد کافی یاوران آگاه و کارآمد برای کمک‌رسانی به رهبری و تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت، از عوامل دخیل در ظهور است. این امور مهم جز با تربیت نیرو و اشاعه فرهنگ مهدویت ممکن نخواهد بود. امیرمؤمنان علی می‌فرماید:

يُحْفَوْنَ بِهِ يَقَوْنَ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُوْنَهُ مَا يُرِيدُ^{۲۵}

یاران امام مهدی ، او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها، [هر جنگی که باشد] با جان‌های خود از او حمایت و حفاظت می‌کنند و هرچه بخواهد، از جان و دل انجام می‌دهند.

انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنها به عنوان منتظران ظهور حضرت مهدی بدون بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود. یکی از اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، آشنا کردن آنها با وضعیت ایده‌آل جامعه بشری، به منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود و سپس شناساندن وضعیت ایده‌آل به جامعه جهانی است. نسل نو باید وضعیت ایده‌آلی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت، بشناسد تا بتواند جایگاه وضعیت موجود را نقد و بررسی کند؛ زیرا کسی که وضعیت ایده‌آل را نشناسد، کاستی‌های وضعیت موجود را نیز نخواهد شناخت. در این صورت، چه بسا ممکن است وضعیت موجود را بهترین وضعیتی بداند که برای بشر دست‌یافتنی است. از این رو، جایگاه تعلیم و تربیت بس رفیع‌تر از جایگاه همه مناسبات و معاملات مدنی و فرهنگی به حساب می‌آید. در آیات قرآن و روایات به تعلیم و تربیت و نیروسازی توجه ویژه‌ای شده است. امام هادی می‌فرماید:

اگر پس از غیبت قائم شما، از دانشمندان کسانی نباشند که مردم را به سوی امام زمان بخوانند و به جانب او راهنمایی کنند و با برهان‌های خدایی، از دینش پاسداری کنند و بندگان ضعیف خدا را از شبکه‌های ابلیس و یاران او و از دام‌های دشمنان اهل‌بیت: که زمام دل ضعیفان شیعه را گرفته‌اند، چنان‌که سکان کشتی را رهایی بخشند، کسی به جای نمی‌ماند، مگر این‌که از دین خدا برگردد. چنین دانشمندانی، نزد خداوند، از گروه برتران به شمار می‌آیند.^{۲۶}

بنابراین، یکی از تمهیدات لازم برای تحقق روند زمینه‌سازی، نهادینه‌سازی سازه‌ها و مؤلفه‌هایی است که روش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه را تغییر دهد. این تغییر و

یکی از اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، آشنا کردن آنها با وضعیت ایده‌آل جامعه بشری، به منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود و سپس شناساندن وضعیت ایده‌آل به جامعه جهانی است

یا بیمار بودن اندیشه جامعه نسبت به مهدویت باشد، مسئله اهتمام جدی افراد در انجام تکالیف و وظایفی است که یک فرد منتظر نسبت به امام زمان دارد. با چشم‌پوشی از کمیّت مطالب بیان شده در دروس مدارس و پی‌آمد ناچیز بودن اطلاعات و ضعف معرفت دانش‌آموزان از آموزه مهدویت و انتظار،^{۲۸} نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی چندان موفق نبوده و تأثیرپذیری دانش‌آموزان در رفتارهای فردی و اجتماعی از معارف دینی و مباحث عرضه شده در مدارس بسیار ناچیز و حتی منفی بوده است.^{۲۹} بر اساس نتیجه بسیاری از تحقیقات، گروه تحصیل کرده نسبت به گروه با تحصیلات پایین‌تر یا بی‌سواد در عمل کرد دینی و اخلاقی خود هیچ برتری ندارد. حتی در برخی موارد، عمل کرد پایین‌تری نیز دیده شده است. به بیان دیگر، حداقل می‌توان پذیرفت که عمل کرد نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی، نقطه قوت برجسته‌ای ندارد و شاید بتوان نتیجه گرفت که عمل کرد آن ضعیف یا نسبتاً ضعیف است. در نتیجه یکی از پژوهش‌های آماری آمده است:

نکنه قابل توجه آن‌که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که تأثیر سواد و آموزش و پرورش بر عمل کرد در ساحت تربیت دینی و اخلاقی افراد، خنثی و حتی منفی است. به بیان دیگر، در پژوهش‌های مرتبط، بارها مشاهده شد که افراد دارای تحصیلات بیشتر (و یا دارای پدر و مادر با تحصیلات بالاتر) از نظر عمل کرد در تربیت دینی و اخلاقی به‌طور معناداری پایین‌تر بوده‌اند (اگرچه در اندک مواردی، خلاف آن هم مشاهده شده است).^{۳۰}

ضعف آموزش و پرورش در حیطه نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزش تربیت دینی علل مختلفی دارد. یکی از علل آن را می‌توان ابهام در برنامه‌ها و سیاست‌های نظام آموزش و پرورش نسبت به اهداف اساسی و انتظارات تربیت دینی دانست. در همان تحقیق آمده است:

از آسیب‌های جدی در حوزه تربیت دینی، مشخص نبودن و ابهام در اهداف اساسی و انتظارات تربیت دینی است. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، اهداف و انتظارات، نقطه آغازین و عزیمت تربیت دینی به شمار می‌آید که در بحث

دگرگونی فرهنگی، تنها از مجرای تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. اگر اصول، مفاهیم و آداب انتظار از طریق آموزش و پرورش برای اصلاح خلق و خوی افراد به سوی رفتار دینی، درونی نشود، هرگونه قانون و نهاد فرهنگی، کارکرد خود را از دست می‌دهد. با توجه به نقش تعلیم و تربیت و نظام آموزش و پرورش در تغییرات اجتماعی و زمینه‌سازی برای ظهور، به نقش نظام آموزش و پرورش در پیشبرد اهداف مهدویت و انتظار دو نوع رویکرد می‌توان داشت:

روی‌کرد اول: آموزه مهدویت و انتظار هم‌چون دیگر مباحث دینی در مدارس با اختصاص چند درس از متون، آموزش داده شود.

روی‌کرد دوم: تدوین نظام آموزش و پرورش با نگاه به مؤلفه مهدویت و انتظار و تأثیرگذاری مستقیم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی.

آسیب‌شناسی روی‌کرد اول

در طول سی سال عمر حکومت جمهوری اسلامی ایران، مراکز آموزشی ایران طبق روی‌کرد اول راه پیموده‌اند. در نظام آموزشی جمهوری اسلامی، بر اساس اعتقادات اسلامی ملت و قوانین و لوایح موجود (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش)، اولویت و جهت‌گیری کلی تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها، تقویت ارزش‌های الهی و معنوی در دانش‌آموزان است.^{۳۱} با این حال، فقط در برخی متون درسی، فصل‌هایی به تبیین آموزه مهدویت اختصاص داده شده است. معلم نیز هم‌چون دیگر دروس، به توضیح آن‌چه در کتاب آمده است، اشتغال داشته و دانش‌آموز نیز موظف بوده است در پایان سال، امتحان آنها را پس دهد. آسیب‌شناسی این روی‌کرد از چند جهت قابل طرح است؛ کیفیت محتوای دروس، کمیّت مطالب، شیوه پردازش و نگارش، چگونگی تدریس معلمان و میزان تأثیرپذیری دانش‌آموزان.

تحلیل وضع موجود و آسیب‌شناسی دقیق، نیازمند تعیین شاخص‌های عمل‌کردی در حیطه تربیت مهدوی و پژوهش‌های آماری است. متأسفانه پژوهش‌های آماری چندان‌ی درباره اعتقاد به مهدویت وجود ندارد. با توجه به برخی کارکردهای تربیتی آموزه مهدویت و انتظار و میزان تأثیرپذیری دانش‌آموزان از آن، می‌توان گفت یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نمایان‌گر سلامت

تربیت دینی کشورمان مغفول مانده است. از این رو، بایستی انتظارات ما از حوزه تربیت دینی در آموزش و پرورش کشورمان مشخص گردد.^{۳۱}

برخی دیگر از صاحب‌نظران، آسیب را در مبانی و اصول آموزش و پرورش جست‌وجو می‌کنند و معتقدند در وضعیت فعلی، از انتقال ارزش‌های اسلامی در مدارس هیچ خبری نیست؛ چون «روح حاکم بر نظام فعلی آموزش و پرورش در ایران، متأثر از چند مشرب فلسفی است که اختلاف معرفت‌شناسی و ارزشی با فلسفه اسلامی دارد. این بدین معناست که تنها میان نظام‌های مختلف ارزشی تعارض وجود دارد، بلکه بین ارزش‌های مورد ادعا و آنچه در عمل ارزش و مورد قبول همگان است، هم‌خوانی وجود ندارد».^{۳۲}

بنابراین، آنچه موجب ضعف تعلیم و تربیت در مدارس ما شده، این است که میان اهداف حکمت اسلامی و آنچه در عمل در صحنه آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، تضادی عمیق وجود دارد که خود را در اندیشه و عمل دانش‌آموزان نشان می‌دهد. از این رو، اگر نظام تعلیم و تربیت، در اصول اعتقادی، از چند منبع نظری تغذیه کند، برای مثال، در برخی دروس، اصول دینی و در برخی دروس، اصول اعتقادی اومانیسم غربی را پذیرا شود و به مقتضای حال و مقال، نظام فرهنگی دینی و غربی را در هم آمیزد و به همین سیاق، امور عملی را سامان دهد، نتیجه آن، نشر بحران فرهنگی و اجتماعی در میان جامعه است.^{۳۳} برخی دیگر از متفکران، ریشه بحران را در نوع نظام آموزشی جدید می‌دانند که موجب جدایی ابعاد تربیتی از یکدیگر شده است. سید حسین نصر معتقد است در تعلیم و تربیت دنیای جدید، بیش از اندازه با اندیشه و ذهن کودک سروکار دارند و از تربیت جسمانی و عاطفی آن جدا شده است. از این رو، برنامه یک‌پارچه تربیتی وجود ندارد. وی می‌نویسد:

حتی در سطح فکری نیز تعلیم و تربیت امروزه پاره‌پاره است و از این رو، عوامل عاطفی وجود آدمی در آن جایی ندارد. بنابراین، همه اجزای وجود آدمی از هم جدا افتاده و بخش‌بندی شده است. من همیشه طرفدار نظام آموزشی کامل بوده‌ام و از این رو است که از احیای نظام آموزشی سنتی اسلامی که مانند همه نظام‌های سنتی بر پایه ملاحظه همه این عوامل با همدیگر استوار است، پشتیبانی کرده‌ام. در چنین نظامی، میان شاگرد و معلم، رابطه انسانی بسیار نزدیکی حکم‌فرماست و معلم مانند پدر اوست. در این‌جا تعلیم و تربیت، پرورش نفس و ذهن، عوامل اخلاقی و حتی جسمانی و نیز فکری را به یک اندازه دربر می‌گیرد.^{۳۴}

ضرورت مدرسه مهدوی

آموزش و پرورش، یکی از محوری‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نهادها در تحقق تربیت نیروی انسانی مطلوب و ماهر برای هر امری است. هر نظام آموزش و پرورش مبتنی بر پایه‌های فلسفی و جهان‌بینی خاص خود است^{۳۵} و نگرش فلاسفه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش به انسان و آینده او در شکل‌گیری اصول و راهبردهای آموزشی و پرورشی آنان تأثیر مستقیم و محوری دارد.^{۳۶} نظام فرهنگی و ارزشی، چنان

بنابراین، آنچه موجب ضعف تعلیم و تربیت در مدارس ما شده، این است که میان اهداف حکمت اسلامی و آنچه در عمل در صحنه آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، تضادی عمیق وجود دارد که خود را در اندیشه و عمل دانش‌آموزان نشان می‌دهد

معیار و خط‌کشی، حد و مرز اعمال را معلوم می‌سازند و باید و نبایدهای تربیت، سیاست و اقتصاد را مشخص می‌سازد. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

برای تحول در نظام آموزش و پرورش باید سنت‌ها و نیازهای کشور را اصل قرار دهیم و از تجربیات دیگران حداکثر استفاده را ببریم، اما از الگوبرداری و تقلید از کشورهای غربی کاملاً بپرهیزیم.^{۳۷}

دکتر محمود صناعی نیز در این زمینه می‌نویسد:

تعیین هدف تربیت در هر کشوری، بستگی تام به سابقه دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور دارد، اما بیش از آن‌چه گذشته است، آمال و آرزوهای هر قوم باید هدف تربیت را معین کند... این است که در تعیین هدف تربیت، تقلید از هدف تربیت کشور دیگر درست نیست و ناچار هر کشوری باید خط سیر خود را چنان‌که با اوضاع حال و سود آینده او سازگار است، تعیین کند.^{۳۸}

دکتر علی شریعتمداری، همه فعالیت‌های تربیتی را مبتنی بر ایده‌آل‌های اجتماعی و ارزش‌ها می‌داند و می‌نویسد:

مربیان ما باید در کلیه فعالیت‌های تربیتی، ایده‌آل‌های اجتماعی و ارزش‌ها و اعتقادات عمومی را در نظر داشته باشند. ارتباط معلم با شاگرد، روش تدریس، روابط شاگردان با هم، هدف‌هایی که شاگرد و معلم برای نیل به آنها تلاش می‌کنند، انتخاب مطالب و مواد درسی، تراز ارزش‌سنجی پیشرفت شاگردان و توسعه تعلیم و تربیت مردم ایران، همه باید با ایده‌آل‌های اجتماعی این مردم هم‌آهنگ و سازگار باشد.^{۳۹}

معلم‌ان این ارزش‌ها و آرمان‌ها را به دانش‌آموزان القا می‌کنند؛ زیرا مهم‌ترین و کارسازترین عنصر شکل‌دهی رفتار نسل جدید بعد از والدین، شخصیت و منش معلم‌ان است. به‌طور کلی، معلم، عنصری مؤثر در پیدارسازی بنیادهای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است. پس تربیت‌یافتگان نظام‌های آموزش و پرورش، خود، بازتابی از همه دریافت‌های رسمی و غیررسمی کارگزاران آن نظام هستند. تربیت دوران خردسالی، به تدریج، قلب و ذهن کودکان را به شکل دلخواه مربیان و معلم‌ان درمی‌آورد و از آن پس، هیچ‌کس را یاری

رهایی از آموخته‌های پیشین نیست که چونان نقشی بر پهنه سنگ، حک شده‌اند. از این رو، به عنوان اصلی‌ترین راه حل برای بهبود کیفیت وضعیت آموزش و پرورش و تعیین اهداف آن، باید به تبیین دوباره مبانی فلسفی و اسلامی تعلیم و تربیت بپردازیم. یکی از محورهای مهم تربیت اسلامی، مقوله مهدویت و انتظار است.

آرمان مهدویت و ایده‌آل حکومت عدل، از مهم‌ترین آرزوها و ایده‌آل‌های اجتماعی و مذهبی مردم ایران است. آرمان‌های بزرگ، همّت‌های بزرگ و خستگی‌ناپذیری می‌طلبد. بنابراین، از نظام آموزش و پرورش که بر پایه‌های جهان‌بینی مهدوی و آینده‌نگری امیدوارانه، استوار نباشد، تربیت منتظران کارآمد و مسئول را نباید انتظار داشت. فرهنگ متعالی مهدوی، آخرین تیر ترکش مستضعفان جهان است که در خود و با خود، همه پتانسیل و توان آرمان‌خواهانه را دارد، به گونه‌ای که نه‌تنها موجب «مصونیت از درون» می‌شود، بلکه همه توش و توان «نسل نو» را متوجه و متذکر آینده‌ای می‌سازد که برای دست‌یابی به آن باید «مجاهده» کند.^{۴۰}

تربیت مهدوی، بُن‌مایه تکوین و تضمین جامعه زمینه‌ساز در توسعه و تحکیم فرهنگ انتظار است. تا زمانی که تربیت مهدوی بر پایه‌های معرفتی و ارزش خاص خود، در ساختار، نگرش و رفتار سازمان آموزش و پرورش کشور توسعه نیابد، به زمینه‌سازی ظهور که آماده کردن جامعه‌ای متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی و ارزش‌های دینی و توحیدی است، نمی‌توان امید بست. از این رو، چاره‌ای نیست جز این‌که دولت زمینه‌ساز، بر پایه آموزه مهدویت و انتظار و آرمان بلند حکومت عدل مستضعفان به وزارت آموزش و پرورش و نهادهای هم‌سو، توجه ویژه‌ای کند. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، به منظور ترسیم جهت‌گیری‌های اساسی نظام آموزش و پرورش، با در نظر گرفتن نقش محوری برای ارزش‌ها و باورهای دینی تجلّی یافته در مهدویت و انتظار، مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از ضروریات زمینه‌سازی است. مسئولیت مهم دولت زمینه‌ساز قبل از هرگونه زمینه‌سازی، ایجاد بستری مناسب برای پذیرش پیام است. آماده‌سازی و تربیت نیروی انسانی هم‌آهنگ و همراه با اهداف دولت مهدوی، وجود نظام آموزش و پرورش مهدوی با هدف تربیت منتظران زمینه‌ساز را می‌طلبد. بدون شک، یاران حضرت مهدی و مدیران حکومت آن حضرت، از بین همین منتظران و زمینه‌سازان ظهور برگزیده خواهند شد. از این رو، در این

مرحله باید به لزوم هم‌آهنگی نظام آموزشی با نظام ارزشی مهدویت توجه کرد. خداوند در قرآن کریم، وعده حکومت بر زمین را به کسانی می‌دهد که از تربیت خاصی برخوردارند؛ از این رو می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...^{۴۱}

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد.

روایات نیز ویژگی‌های خاصی را برای زمینه‌سازان ظهور برشمرده‌اند که از عهده هر نوع نظام تعلیم و تربیتی برنمی‌آید. برای نمونه، امام زین‌العابدین می‌فرماید:

من ثبت علی موالاتنا (ولایتنا) فی غیبة قائمنا أعطاه الله عزوجل أجر ألف شهید من شهداء بدر و أحد؛^{۴۲}

هرکس در غیبت قائم ما بر موالات و ولایت ما ثابت بماند، خداوند متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید.

هم‌چنین حضرت رسول اکرم می‌فرماید:

طوبی للصابرین فی غیبتہ، طوبی للمقیمین علی محبتهم؛^{۴۳}

خوشا به حال شکیبایان در غیبت امام مهدی . خوشا به حال آنان که بر راه اهل بیت ثابت قدم می‌مانند.

امام صادق نیز می‌فرماید:

من سرّه أن یكون من اصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر؛^{۴۴}

هر کس می‌خواهد از یاوران حضرت قائم باشد، باید انتظار بکشد و در همین حال، خود را به تقوا و سجایای اخلاقی بیاراید.

در روایت دیگری آمده است:

... و أنتخب لذلک الوقت عباداً لی امتحنت قلوبهم لایمان و حشوتها بالورع و الإخلاص و الیقین و التقوی و الحشوع و الصدق و الحلم و الصبر و الوقار و التقی و الزهد...؛^{۴۵}

... و برای این زمان (ظهور)، بندگان را برگزیدم که دل‌هاشان را به ایمان آزمودم و آنان را از ورع، اخلاص، یقین، پارسایی، خشوع، راستی، صبر، شکیبایی و وقار، پرهیز و زهد سرشار کردم.

حضرت امام صادق در روایتی، ویژگی‌های منتظران ظهور را این‌گونه برمی‌شمارد:

مسئولیت مهم دولت
زمینه‌ساز قبل از
هرگونه زمینه‌سازی،
ایجاد بستری مناسب
برای پذیرش پیام
است. آماده‌سازی
و تربیت نیروی
انسانی هم‌آهنگ و
همراه با اهداف دولت
مهدوی، وجود نظام
آموزش و پرورش
مهدوی با هدف تربیت
منتظران زمینه‌ساز
را می‌طلبد. بدون
شک، یاران حضرت
مهدی و مدیران
حکومت آن حضرت،
از بین همین منتظران
و زمینه‌سازان ظهور
برگزیده خواهند
شد. از این رو، در
این مرحله باید به
لزوم هم‌آهنگی نظام
آموزشی با نظام
ارزشی مهدویت توجه
کرد

طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ و المطیعین
له فی ظهوره أولئك أولیاء الله الذین لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ
وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ^{۴۶}

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش، منتظر ظهور او و در هنگام ظهورش، فرمان‌بردار او هستند. آنان دوستان خدا هستند؛ همان‌ها که نه ترسی به دل راه می‌دهند و نه اندوهگین می‌شوند.

مسئله مهدویت و انتظار، ابعاد مختلف تربیتی دارد و با بسیاری از اهداف آموزش و پرورش سازگار است و می‌تواند در پیش‌برد آن اهداف، نقش آفرین باشد. آموزه مهدویت و انتظار پی‌آمدهای تربیتی معینی دارد که با هدف‌های تعلیم و تربیت هم‌سو است. فرهنگ انتظار در متن جریان زندگی منتظران، منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دایمی است و یک رویارویی فعال به شمار می‌رود، نه انفعالی و واکنشی که در درون خود، تغییر و تحوّل را به همراه دارد.^{۴۷} از این رو، انتظار نوعی حالت روانی است که زمینه‌ساز آمادگی و تحوّل در معرفت، احساس، رفتار و عمل آدمی می‌شود. خاصیت انتظار سازنده و اصیل، تنظیم فکر و روحیه است که انسان را بر اساس طرح و برنامه به حرکت و عمل درمی‌آورد و الهام‌بخش مسئولیت هر فرد در برابر خود و جامعه و آماده‌باش در سایه تغییر و تحوّل، صبر و استقامت و تعهد و تحرّک است. بنابراین، انتظار تنها حالت روانی نیست، بلکه احوال روحی جریان‌یافته‌ای است که همراه با تغییر و تحوّل به اقدام و عمل می‌انجامد.^{۴۸} بیان ابعاد تربیتی مهدویت و انتظار مجال دیگری را می‌طلبد. با این حال، به اجمال می‌توان گفت مهدویت و انتظار، با توجه به ابعاد سه‌گانه شخصیت آدمی - بینشی، گرایشی و رفتاری - دلالت‌های تربیتی مختلفی دارد. برخی از آن دلالت‌ها عبارتند از:

الف) دلالت‌های تربیتی مهدویت در حوزه بینش‌ها: کمک در شناخت معیارهای حق و باطل؛ خردورزی؛ نجات از دام شک‌گرایی و تزلزل در حوزه اندیشه.

ب) دلالت‌های تربیتی مهدویت در حوزه گرایش‌ها: تخلّق به فضایل انسانی؛ امید به آینده روشن؛ صبر و استقامت؛ وابستگی نداشتن و تسلیم نشدن به اوضاع موجود؛ شجاعت و شهامت در تغییر اوضاع و شرایط؛ جوشش عواطف معنوی سازنده، هویت‌بخشی و رهایی از پوچی و بی‌هدفی.

ج) دلالت‌های تربیتی مهدویت در حوزه رفتارها: پویایی و سازندگی؛ تعهد و مسئولیت؛ مدیریت تحول؛ مجاهدت در برپایی حق؛ عدالت‌گرایی؛ وحدت و هم‌گرایی.

فلسفه تعلیم و تربیت مهدوی

با توجه به آنچه گذشت، ضرورت تدوین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر مؤلفه‌های مهدویت و انتظار روشن می‌شود. مهم‌ترین مسئله در هر نظام آموزشی نسبتاً موفق، انتخاب ارزش‌ها، اهداف و در نهایت، اصول کاربردی در قالب فلسفه‌ای منسجم است که انسان آرمانی نظام بر اساس همان الگو یا مدل حرکت می‌کند. به همین دلیل، هر نظام آموزش و پرورش بر اساس مبانی و اصول خاصی شکل می‌گیرد که از این‌گونه تأملات در رشته خاصی به نام «فلسفه تعلیم و تربیت» بحث می‌شود. فلسفه تعلیم و تربیت، به صورت استنتاج مدلول‌های تربیتی از اندیشه‌های فلسفی درمی‌آید. پیوستگی میان مفروضات فلسفی و آرای تربیتی و مقولات ارزشی و دلالت‌های تربیتی آنها، این رشته علمی را بسیار بااهمیت جلوه‌گر می‌سازد. درباره مفهوم فلسفه تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که پرداختن به همه آنها از حوصله این مقام خارج است. ویلیام فرانکنا با تقسیم‌بندی فعالیت‌های فلسفی در سه بخش فلسفه نظری،^{۴۹} فلسفه هنجاری^{۵۰} و فلسفه تحلیلی،^{۵۱} از سه نوع فلسفه تعلیم و تربیت نظری، هنجاری و تحلیلی سخن به میان می‌آورد. فرانکنا در این زمینه می‌نویسد:

فلسفه تعلیم و تربیت نظری در جست‌وجوی فرضیه‌هایی درباره انسان و جهان است که با فرآیند تعلیم و تربیت ارتباط دارد. فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری، اهداف لازم‌التحقق و اصول لازم‌الاتباع را در فرآیند تربیت انسان‌ها، مشخص و توصیه‌هایی را در باب وسایل دستیابی به این اهداف عرضه می‌کند. فلسفه تعلیم و تربیت تحلیلی در پی ایضاح مفاهیم بسیار مهم است. از این سه، فلسفه‌های تربیتی نظری و هنجاری به فلسفه فرآیند تعلیم و تربیت و فلسفه تربیتی تحلیلی به فلسفه رشته تعلیم و تربیت تعلق دارد.^{۵۲}

فلسفه تعلیم و تربیت، از نظر معرفت‌شناختی، یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف است که با روش عقلانی به تبیین

و اثبات مبادی تصوری و تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد. فیلسوف تعلیم و تربیت با کوشش فکری منظم، منطقی و قاعده‌مند برای کشف و استنتاج دیدگاه‌های تربیتی در سه حوزه اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی، از اندیشه‌های فلسفی آنها در سه قلمرو معرفت‌شناسی، وجودشناسی و ارزش‌شناسی به فعالیت فلسفی می‌پردازد.^{۵۳} بنابراین، اگر فلسفه تعلیم و تربیت به‌طور مناسب درک شود، بنیانی را فراهم می‌کند که بر اساس آن، داورهای نظری درباره آموزش و پرورش، معتبر باشد و اقدامات عملی، استحکام و انعطاف بیشتری در رسیدن به اهداف داشته باشند که در نهایت، موجب جلوگیری از تناقض‌ها و سردرگمی‌های تربیتی می‌شود.^{۵۴}

اعتقادات و ارزش‌های موجود در هر جامعه‌ای، در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تربیتی تأثیرگذارند و شیوه عمل برنامه‌ریز و معلم را تعیین می‌کند. همه مراحل تفکر و عمل در برنامه درسی بر نظام جهان‌بینی و ارزشی مبتنی است. از این رو، در میان نگرش‌های مختلف فلسفه تعلیم و تربیت در غرب،^{۵۵} شکل‌گیری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، به عنوان یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف که با روش تعقلی و استدلالی، به تحلیل و تبیین و اثبات مبادی تصوری و تصدیقی تعلیم و تربیت اسلامی بپردازد، امری ضرورت و حیاتی است. هدف از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تحلیل و تبیین مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی و استخراج دلالت‌های تربیتی معرفت‌شناسی، وجودشناسی و ارزش‌شناسی فلسفه اسلامی است. این ظرفیت و توانایی در آموزه‌های اسلامی وجود دارد؛^{۵۶} چون اسلام دارای مکتب خاص تربیتی است که بر پایه‌های فلسفی و جهان‌بینی توحیدی و الهی شکل گرفته و اساس و مبنای خویش را تعلیم و تربیت انسان برای رسیدن به کمال قرار داده است. آموزه مهدویت نیز در قالب جهان‌بینی توحیدی و الهی، یکی از آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند در مکتب تربیتی اسلامی تأثیرگذار باشد.

برای شناخت هر نظام تربیتی، به موارد و عناصری باید توجه کنیم تا روند تربیت مرتبی و وظایف مربی روشن شود. از این رو، ترسیم مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت، امری لازم و ضروری است.

مبانی تعلیم و تربیت مهدوی

مبانی تعلیم و تربیت بر سلسله‌ای از معارف نظری دلالت می‌کند که به جنبه‌های وجودشناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی نظر دارد.^{۵۷} و بنیان و اساس هر نظام فکری را مشخص می‌کند. در واقع، این بینش‌ها و نگرش‌ها مبانی تعلیم و تربیت هر نظامی را تشکیل می‌دهد، هرچند آگاهانه به آنها توجه نشود یا به آنها تصریح نشود.^{۵۸} مهدویت و انتظار مقوله‌ای صرفاً اعتقادی نیست، بلکه باید در سیاست‌گذاری و تدوین نظام آموزش و پرورش دولت زمینه‌ساز، حضور پر رنگ و محوری داشته باشد. مهدویت فلسفه بزرگ جهانی است^{۵۹} و فقط مخصوص قشری خاص نیست، بلکه در حیات کل بشر تأثیرگذار است. قرآن کریم در آیاتی به بُعد جهانی اسلام اشاره دارد و این مفهوم را القا می‌کند که زمین از آن خداست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، می‌دهد. این سرانجام نیز

مهدویت و انتظار
مقوله‌ای صرفاً
اعتقادی نیست،
بلکه باید در
سیاست‌گذاری و
تدوین نظام آموزش
و پرورش دولت
زمینه‌ساز، حضور
پر رنگ و محوری
داشته باشد.
مهدویت فلسفه
بزرگ جهانی است

زمین به دست پرهیزکاران می‌افتد. برای نمونه چنین می‌خوانیم:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ^{۶۰}

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را
بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِينَ^{۶۱}

زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگان
که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران
است.

شهید صدر می‌نویسد:

مهدویت، فرآیند یک عقیده اسلامی که فقط رنگ دین
داشته باشد، نیست. مهدویت، فصل مهمی از خواسته‌های
بشری است که انسان‌ها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف،
رو سوی آن دارند. مهدویت، تبلور یک الهام فطری
است که مردم از دریچه آن، علی‌رغم دیدهای مختلف
و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند،
روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین
تحقق می‌یابد و راه ناهمواری که در طول تاریخ برای
انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود.^{۶۲}

مهدویت یکی از محورهای مهم اعتقادی است که در جهان‌بینی
و نظام ارزشی منتظران تأثیر بسیار قوی دارد؛ زیرا روشن‌گر آینده
بشر، تعیین‌کننده حرکت تاریخ، آرامش‌بخش قلوب ستم‌دیدگان
و تنبّه‌بخش ظالمان است. از این رو، مهدویت و انتظار در قالب
گفتمان تشیع، مقتضیات جهان‌شناختی و انسان‌شناختی و ابعاد
ارزشی فراوانی در درون خود دارد که در تبیین مبانی تعلیم و
تربیت و پایه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های تربیتی و
آموزشی تأثیرگذار است. استاد شهید مطهری می‌نویسد:

آرمان قیام و انقلاب مهدی یک فلسفه بزرگ
اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از
این که الهام‌بخش ایده و راه‌گشای به سوی آینده است،
آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی.
این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی، فلسفی
و جهانی است و جزئی از جهان‌بینی اسلامی است.

برخی، فرهنگی و تربیتی است و برخی، سیاسی است و
برخی، اقتصادی است و برخی، اجتماعی است و برخی،
انسانی یا انسانی طبیعی است.^{۶۳}

با توجه به ابعاد مختلف مسئله مهدویت، مبانی کلی و مهمی
هستی‌شناسانه، انسان‌شناسی و معرفت‌شناختی استخراج می‌شود
که در فرآیند تعلیم و تربیت مهدوی نقش بسیار مهمی دارد. در این
زمینه، محورهای ده‌گانه‌ای را استنباط کرده‌ایم که برمی‌شماریم.
دو محور اول، از جهت «وجود شخصی حضرت مهدی»^{۶۴}؛ دو
محور، از بعد «ظهور»؛ پنج محور، از «فلسفه غیبت» و یکی نیز از
مقوله «انتظار» استنباط و استخراج شده‌اند.

۱. واسطه فیض و مربی جامعه

امام معصوم، واسطه فیض الهی است و هر فیض و رحمتی
که از سوی خداوند بر بندگان نازل می‌شود، از مجرای حجت حق
است. امام صادق می‌فرماید:

لو بقیة الأرض بغیر إمام لساخت؛^{۶۵}

اگر زمین بدون امام می‌ماند، به تحقیق که در هم
می‌ریخت.

امام باقر در وصف ائمه می‌فرماید:

جعلهم الله عزوجل أركان الأرض أن تمید بأهلها، و
عمد الإسلام، و رابطة علی سبیل هداه؛^{۶۵}

خداوند عز و جل ایشان را ارکان زمین قرار داد تا زمین
اهل خود را نلرزاند و ایشان را ستون‌های اسلام و
پاسداران راه هدایت خود کرد.

یکی از فیوضات الهی، ربوبیت و پرورش بندگان است. راه
بهره‌وری از این فیض الهی نیز راه ائمه هدی است. امام
مهدی می‌فرماید:

فکانوا هم السبیل إلیک و المسلك إلی رضوانک؛^{۶۶}

آنان، راه رسیدن به تو و راه دست یافتن به رضوان
خوشنودیت بودند.

از این رو، اهل‌بیت، معلم و مربی جامعه هستند. امام صادق
می‌فرماید:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تتركُ إِلَّا بعالمٍ يحتاج النَّاسَ إليه و لا يحتاج إلى النَّاسِ، يعلم الحرام و حلال؛^{۶۷}

هیچ‌گاه زمین بدون عالمی که مردم به او نیازمندند و او از آنان بی‌نیاز، و حلال و حرام را می‌شناسد، رها نمی‌شود.

۲. خلافت الهی

خداوند، انسان را به عنوان خلیفه خود، از میان موجودات برگزید و در پاسخ به اعتراض ملائکه فرمود:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^{۶۸}؛
من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

بالاترین رتبه و کمال صعود انسان، خلافت الهی است و غایت نهایی تربیت انسان نیز راه‌یابی به این مقام شامخ است. انسان برای راه‌یابی به این مقام، نیازمند الگو و راهنمایی است که خود، در اوج خلافت الهی باشد. مصداق تام خلیفه و حجت الهی نیز امام عصر است و «خلیفة الله»، برجسته‌ترین لقب ایشان است.^{۶۹} امام باقر می‌فرماید:

فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة،... فأول ما ينطق به هذه الآية: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حَجَّتَهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فلا يسلم إليه مسلم إلا قال: السلام عليك يا بَقِيَّةُ اللَّهِ في أرضه؛^{۷۰}

هر گاه [قائم] قیام کند به کعبه تکیه دهد... نخستین سخنی که می‌گوید، این آیه است: «اگر مؤمن باشید، باقی‌مانده [حلال] خدا برای شما بهتر است». آن‌گاه می‌فرماید: «من باقی‌مانده خدا و جانشین او برای شما هستم». هیچ مسلمانی به او درود نگوید، مگر چنین: درود بر تو، ای باقی‌مانده خدا در روی زمین!

بنابراین، فلسفه ظهور امام عصر ، فراهم آوردن مقدمات تقرب به سوی خداوند و برداشتن موانع از مسیر خلافت الهی انسان‌ها است. آن‌چنان‌که با توسل و تقرب به آن وجود گران‌قدر و با تحقق حکومت عدل جهانی، اسباب رسیدن به کمال و عبودیت و قرب الی‌الله فراهم می‌شود و راه برای رسیدن به هدف خلقت که همان راه‌یابی به مقام خلافت الهی است، هموار می‌گردد.

۳. آینده روشن

انسان همواره در آرزوی رسیدن به عدالت، انسان‌دوستی، صلح و امنیت، آرامش و رفاه و رهایی از ستم، فساد و انحطاط بوده است. توجه و نگرش به آینده و سرانجام تطورات تاریخ نیز از مهم‌ترین مبانی نظری مکتب‌هاست. شناخت نقطه‌نهایی تاریخ، چگونگی حرکت به منزل واپسین، پیش‌بینی آینده، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و عوامل حرکت‌آفرین برای چگونگی سیر و حرکت، بر اصول و اهداف تربیتی تأثیر بسیاری دارد. در فرهنگ اسلامی، آموزه مهدویت نمایان‌گر فلسفه نظری تاریخ و آینده بشر

بنابراین، فلسفه ظهور امام عصر ، فراهم آوردن مقدمات تقرب به سوی خداوند و برداشتن موانع از مسیر خلافت الهی انسان‌ها است. آن‌چنان‌که با توسل و تقرب به آن وجود گران‌قدر و با تحقق حکومت عدل جهانی، اسباب رسیدن به کمال و عبودیت و قرب الی‌الله فراهم می‌شود و راه برای رسیدن به هدف خلقت که همان راه‌یابی به مقام خلافت الهی است، هموار می‌گردد

در حکومت قیام‌کننده اهل بیت پیامبر، قسط و عدل (به معنای نبود تبعیض در تقسیم بیت‌المال و رعایت حقوق مردم) را به طور کامل اجرا خواهد شد.

۵. آزادی

آزادی و اختیار آدمی در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول محکم حکمت اسلامی و معارف قرآنی است. آزادی در مکتب اسلام با جوهره انسان عجین شده است که آثار فراوان تربیتی را به همراه خواهد داشت. در قرآن چنین می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ ۗ^{۷۵}
در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

انسان و جامعه زمانی که در معرض ابتلاها و بیخ و خم‌های مشکل‌روزگار توانست خود را نجات دهد، به مقامات عالیه دست می‌یابد، چنان‌که ابراهیم در رویارویی با سختی‌ها، به مقام امامت دست یافت.^{۷۶} بر اساس روایات، یکی از فلسفه‌های غیبت و ابتلای انسان به مشکلات آخرالزمان، امتحان و انتخاب آزادانه انسان است تا در برخورد با مشکلات و سختی‌ها، ظرفیت درک عصر ظهور را بیابد. انسان‌ها باید با اختیار و آزادی تمام، مسیر حق را از باطل بشناسند و با حرکت در مسیر حق، منتظر دولت مهدوی باشند. منصور صیقل نقل می‌کند: من و حارث بن مغیره و تعدادی از شیعیان نشسته بودیم و با هم سخن می‌گفتیم و امام کلام ما را می‌شنید که به ما فرمود:

شما کجایید؟ هیهات! هیهات! نه به خدا قسم، آنچه چشم به راه آن هستید، واقع نمی‌شود، مگر آن‌که غربال شوید. نه به خدا قسم، آنچه چشم به راه آن هستید، واقع نمی‌شود، مگر آن‌که بررسی شوید. نه به خدا قسم، آنچه چشم به راه آن هستید، واقع نمی‌شود، مگر آن‌که جدا شوید. نه به خدا قسم، آنچه چشم به راه آن هستید، واقع نمی‌شود، مگر پس از ناامیدی. نه به خدا قسم، آنچه را چشم به راه آن هستید، واقع نمی‌شود، مگر آن‌گاه که هرکس بدیخت است، بدیخت شود و هرکس خوشبخت است، خوشبخت شود.^{۷۷}

است. مهدویت، فرجام متعالی و شکوه‌مند آینده جهان و سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است. مهدویت، پیش‌بینی وحیانی هدف و مقصود تاریخ و پایان حرکت پر فراز و نشیب آن و تحقق معناداری و غایت‌مندی تاریخ و باور به سرنوشت روشن و محتوم انسان است.^{۷۱} پیروزی نهایی حق و غلبه قطعی صالحان و متقیان و کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران، نویدبخش آینده‌ای روشن و سعادت‌مندانه برای بشر است که سیر حرکت خود و تاریخ را مشخص می‌سازند. این مبنای گرمابخش دل‌های منتظران زمینه‌ساز است که روزی تلاش‌های آنها ثمر خواهد داد.

۴. عدالت

زیربنای روابط اجتماعی و پایه‌های معاشرت انسان‌ها، یکی دیگر از مبانی فلسفی یک نظام تربیتی است. اگر جامعه‌ای بر مبنای قدرت یا سودگرایی شکل گرفت، مسیر آن، با جامعه‌ای که بر پایه عدالت شکل گرفته باشد، متفاوت خواهد بود. عدالت، برقراری مساوات، تقسیم عادلانه ثروت و امکانات جامعه و قرار گرفتن هر چیز و هر کس در جایگاه خود، آثار فراوانی در شکل‌گیری نظام تربیتی جامعه دارد. مهدویت، آرمان عدالت‌گرایی و اصالت عدل در روابط انسانی و پایه‌های اجتماعی است. پیامبر اکرم فرمود:

يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِعَدْلٍ وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^{۷۲}

او زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد؛ چنان‌که از ستم پر شده است.

امیر مؤمنان علی نیز در این مورد می‌فرماید:

... فَبَرِكَمُ كَيْفَ عَدْلِ السَّيْرِ وَ يَحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ؛^{۷۳}

او هنگام قیام، عدالت اسلامی و دادگری و روش پیامبر در عدالت را در چشم‌انداز جهانیان قرار خواهد داد و کتاب و سنت را که پیش از او مرده‌اند، زنده خواهد ساخت.

از امام باقر هم نقل شده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسُّوِيَةِ وَ عَدْلِ فِي الرَّعِيَةِ...؛^{۷۴}

با توجه به مبنای آزادی، یعنی اختیار بر تربیت جامعه و آماده‌سازی آن، باید برای تأسیس دولت مهدوی گام برداشت و مقدمات تشکیل دولتی صالح و عادل را بیش از پیش آماده کرد. دولت مهدوی در شرایطی تأسیس می‌شود که انسان از عنصر اختیار و آزادی برای تحقق این آموزه سود جوید. تأسیس دولت مهدوی نیز مبتنی بر تلاش و بردباری و بهره‌گیری از آزادی و اختیار آدمی است. اگر قرار بود جامعه انسانی بی‌هیچ تلاش و زحمتی، از دولتی صالح و عادل برخوردار شود، چرا این مسئله از ابتدای خلقت رخ نداد تا انسان‌ها این قدر درد و رنج را تحمل نکنند.

۶. جنگ حق و باطل

آزادی و اختیار انسان در انتخاب مسیر زندگی، دو جبهه حق و باطل را به وجود می‌آورد و بر همین اساس، در روایات به مسئله حق و باطل توجه شده است. جریان جنگ دو جبهه حق و باطل و ادامه یافتن آن تا زمان ظهور، در شکل‌دهی به نظام تعلیم و تربیت نقش فراوانی دارد؛ زیرا قدرت و توسعه جبهه باطل نباید به عقب‌نشینی و خودباختگی جبهه حق بیانجامد. در روایات، امام زمان را مربی جامعه و ملاک شناخت حق از باطل دانسته‌اند.

ان الله لم يدع الأرض بغير عالم، و لولا ذلك لم يعرف الحق من الباطل؛^{۷۸}
همانا خداوند زمین را بدون عالم نگذاشته است؛ و اگر این نبود، حق از باطل شناخته نمی‌شد.

۷. هدایت

غیبت، سلب نعمت ظهور و دیدار امام است، اما مانع بهره‌وری بشر از وجود آن جناب نیست، بلکه فیض الهی به واسطه ایشان به بشر می‌رسد. افضل فیوضات الهی، فیض هدایت و تربیت انسان و جامعه است که انسان، به برکت وجود امام عصر از آن بهره‌مند می‌شود. شیوه هدایت بشر در دوران غیبت، به نقش تربیت غیرمستقیم اشاره دارد که در امر تعلیم و تربیت دارای کاربرد فراوانی است. زمانی از امام صادق پرسیدند: چگونه مردم از حجت غایب و پنهان بهره می‌برند؟ فرمود:

كما يتفعون بالشمس إذا سترها السحاب؛^{۷۹}

همان‌گونه که از خورشید، چون در پس ابرها قرار می‌گیرد، بهره‌مند می‌شوند.

زمانی که از امام صادق درباره وجه تسمیه حضرت قائم به مهدی پرسیدند، فرمود:

لأنه مهدى إلى كل أمر خفى؛^{۸۰}

چون او به هر امر نهانی رهنمون می‌شود.

امام مهدی می‌فرماید:

أما وجه الإنتفاع بي في غيبي فكالاتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار

غیبت، سلب نعمت ظهور و دیدار امام است، اما مانع بهره‌وری بشر از وجود آن جناب نیست، بلکه فیض الهی به واسطه ایشان به بشر می‌رسد

شیوه هدایت بشر در دوران غیبت، به نقش تربیت غیرمستقیم اشاره دارد که در امر تعلیم و تربیت دارای کاربرد فراوانی است

شده است؛ کسی که جهان هستی به برکت وجود او باقی و برقرار مانده است.

بنابر آموزه مهدویت، دریافت فیض الهی به صورت تدریجی است و این اعطای تدریجی به سبب ویژگی‌های قابل است. نبود استعداد لازم و مقدمات و شرایط لازم برای دریافت جمعی فیض، موجب غیبت و تأخیر ظهور می‌شود.^{۸۵} انسان و جامعه باید تا آنجا رشد کند که تحمل حاکمیت ولایت و سرپرستی امام معصوم را بیابد. از این رو، این تدریجی بودن، در فرآیند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در مدرسه مهدوی و نظام آموزش و پرورش مهدوی تأثیرگذار خواهد بود.

۱۰. آماده‌سازی

ضرورت آماده‌سازی و زمینه‌سازی نیز از دیگر آثار آموزه مهدویت و انتظار است. امام سجاد می‌فرماید:

والله لا یخرج أحد مّا قبل خروج القائم الا کان مثله
کمثل فرخ طار من و کره قبل أن یستوی جناحه فأخذه
الصّبیان فعبتوا به؛^{۸۶}

به خدا سوگند، هیچ‌یک از ما [اهل بیت:] قبل از قیام قائم خروج نمی‌کند، مگر این‌که مثل او مانند جوجه‌ای است که قبل از محکم شدن بال‌هایش از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه، کودکان او را می‌گیرند و با او بازی می‌کنند.

اهداف تعلیم و تربیت مهدوی

تعیین هدف‌های آموزش و پرورش، از مسائل مهم فلسفه تعلیم و تربیت است و فیلسوفان تربیتی بر اساس شناخت خاص خود از انسان و نیازهای او به طراحی و هدایت مؤسسه‌های آموزشی پرداخته‌اند.^{۸۷} امروزه همه اندیشه‌ورزان حوزه تربیت اتفاق نظر دارند که رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، از یادگیری طوطی‌وار، حفظی و سطحی یک‌سری اطلاعات فراتر می‌رود،^{۸۸} به گونه‌ای که در پرورش ابعاد اساسی شخصیت آدمی اعم از ابعاد معنوی، اخلاقی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، سیاسی و بدنی، نقش دارند.^{۸۹} مدرسه، پلی میان خانه و جامعه است که افراد را برای حضور کارآمد، موفق و اثرگذار در اجتماع آماده می‌سازد. دموور و جونخیر از مربیان تراز اول می‌نویسند:

السّحاب، و إنّی لأمان لأهل الارض كما أنّ النجوم
أمان لأهل السّماء؛^{۸۱}

چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبت، همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آن‌گاه که در پس ابر از دیدگان پنهان شود. من مایه امنیت زمینیانم، هم‌چنان‌که ستارگان مایه امنیت آسمانیان هستند.

۸. توسعه و تحول‌گرایی

تحول و پیشرفت تاریخ و گرایش بشر به سوی تکامل از دیگر نتایج آموزه مهدویت است.^{۸۲} کمال‌گرایی انسان و میل به حقیقت مطلق از فطرت بشر ناشی می‌شود که عامل تحرک و حرکت انسان به سوی وضع بهتر است. ترسیم ایده‌آل و آرمان زندگی بهتر در پرتو فضایل اخلاقی و کمالات انسانی و مطرح کردن جامعه‌ای مطلوب و توسعه‌یافته موجب رشد و حرکت انسان و اقدامات عملی می‌شود. پس طرح ویژگی‌های جامعه توسعه‌یافته اسلامی و مقایسه آن با ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته کنونی بسیار راه‌گشا است و افق‌های روشنی از امید و بهروزی را به روی مستضعفان و مسلمانان جهان می‌گشاید. پیامبر اکرم می‌فرماید:

یکون فی امتی المهدی... یتنعم امتی فی زمانه نعیماً لم
یتنعموا مثله قط و البرّ و الفاجر، یرسل السّماء علیهم
مداراً، و لا تدخر الأرض شیئاً من نباتها؛^{۸۳}

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او مردم به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند؛ همه، چه نیکوکار و چه بدکار. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد.

۹. تدریجی بودن فیض

امام معصوم، واسطه فیض و عنایت الهی و خلیفه الهی در تربیت بندگان است. در روایت چنین می‌خوانیم:

القائم المنتظر المهدیّ المرجی الذی ببقائه بقیت الدّینا
و بيمينه رزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض و
السّماء...؛^{۸۴}

امام قائمی که امیدها و چشم‌ها به انتظار آمدن او دوخته

مدرسه باید مردمی استوار، مستعد سعی و عمل، شجاع، مصمم و اخلاقی بار آورد؛ باید از فرزندان ما، موجوداتی آزاد، فهمیده که خیر و عدالت، رهنما و فعالیت، تکیه‌گاهشان در طلب سعادت باشد، بسازد؛ مردمی که عزمشان بر حفظ کمال مطلوب و نیکی در عامه مردم جزم باشد.^{۹۰}

دکتر شریعتمداری در تبیین اهداف تعلیم و تربیت می‌نویسد:

از نظر ما، تعلیم و تربیت، هدایت فرد است... هدایت فرد در محیط تربیتی عبارت از ترغیب فرد به فکر کردن، تبادل میان معلم و شاگرد، کوشش برای مشخص ساختن مسائل و انتخاب بهترین نظریه یا راه حل برای روشن ساختن مباحث علمی، اخلاقی و اجتماعی و کمک به افراد در ابراز و کنترل عواطف و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی است. به نظر ما، مربی و شاگرد می‌خواهند در مراکز آموزشی موجبات رشد معنوی و اخلاقی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی خود را فراهم کنند... بنابراین، هدایت افراد در بعد معنوی و اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی، پایه و اساس تعلیم و تربیت است.^{۹۱}

دکتر محمود صناعی نیز در مقاله‌ای با عنوان «از تربیت چه می‌خواهیم» در بیان اهداف تربیت می‌نویسد:

از هدف‌های اساسی تربیت باید آن باشد که در افراد، حس احترام به حقوق خود و دیگران، حس احترام به آزادی خود و آزادی دیگران، حس عدالت‌خواهی و تفر از زور، حس مسئولیت اجتماعی و وظیفه‌شناسی، حس همکاری و زیستن با دیگران را با صلح و صفا تقویت کند.^{۹۲}

استاد مطهری نیز تربیت و پرورش انسان را در شش نوع علمی و فکری، عاطفی و اخلاقی، ذوقی و هنری، فنی و صنعتی، عبادی و پرستشی، اجتماعی و تعاونی لازم می‌داند.^{۹۳} از این رو، هدف‌های تربیت اسلامی را تقویت اراده، عبادت و نیایش، محبت، تقویت حس حقیقت‌جویی، مراقبه و محاسبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج، جهاد و کار بیان می‌کند.^{۹۴}

تعیین هدف‌های تربیت مهدوی، به‌طور مستقیم با مبانی آن ارتباط دارد. مهم‌ترین مسئله در تعلیم و تربیت، کمال فرد است؛ زیرا فرد کمال‌یافته می‌تواند منشأ تحولات باشد. بنابراین، کمال عمومی بشر و ساختن جامعه‌ای متعالی در گرو رشد همه‌جانبه فرد است. بنابراین، در احادیث مهدویت بر رشد عقلی و معنوی فرد تأکید زیادی شده است.

در یک جمع‌بندی، هدف کلی تعلیم و تربیت مهدوی را با توجه به ابعاد سه‌گانه آدمی یعنی بینش، گرایش و رفتار، می‌توان این‌گونه بیان کرد: تربیت منتظران کارآمد، پیشرو و مسئول با سه خصلت عقلانیت، نقد، معنویت پویا و مدنیت پایدار.^{۹۵} انسان تربیت شده مهدوی، انسانی است که از راه تعلیم و تربیت، به آزادی درونی، هوشمندی، بصیرت، شکوفایی عقلی و روحی دست یافته، به گونه‌ای که برای همیشه در وی ماندگار و در حقیقت، ملکه روح او شده است و موجب اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌شود.

در یک جمع‌بندی، هدف کلی تعلیم و تربیت مهدوی را با توجه به ابعاد سه‌گانه آدمی یعنی بینش، گرایش و رفتار، می‌توان این‌گونه بیان کرد: تربیت منتظران کارآمد، پیشرو و مسئول با سه خصلت عقلانیت، نقد، معنویت پویا و مدنیت پایدار

و به دانش آموز تعلیم دهد تا خود دانش آموز بتواند با علاقه و آزادی علمی و تلاش فردی، اصول محوری فراگرفته را کاربردی سازد و تکمیل کند. ذهن انسان تماماً ثابت و انفعالی نیست که فقط پذیرنده باشد، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل و ترکیب و توسعه آموخته‌های خود را دارد. بر این اساس، مردم وقتی عاقل شدند، زمینه‌سازی برای حکومت جهانی هم آسان خواهد بود. از این رو، مهم‌ترین رسالت آموزش و پرورش برای زمینه‌سازی ظهور این است که دانش‌آموزان را به سوی زندگی عاقلانه سوق دهند.

۲. حق‌گرایی

کسب نگرش فراگیر درباره «حقیقت» که آن را در شعبه‌های مختلف علوم می‌توان یافت، از اهداف اساسی تربیت اسلامی است. این حقیقت‌گرایی که مبتنی بر بینش وسیع و سعه صدر است، نتیجه تربیت عقلی و روحی است تا انسان با تعقل و پرهیز از نگاه تنگ‌نظرانه، به شناخت حقیقت بپردازد. در دیدگاه اسلام، معیار تمامی رفتارها، حق است و از مردم درخواست می‌کند تا زندگی خود بر مدار حق حرکت کنند.^{۹۸} هر کس باید حقیقت را خودش بشناسد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بر دیگری تحمیل کند. از این رو، متعلم باید نیروی قضاوت خود را در شناخت حق و حقیقت به کار اندازد. از دلالت‌های تربیتی حق‌گرایی و حقیقت‌طلبی، پرهیز از سطحی‌نگری تحجرگرایی و جزم‌اندیشی و تأکید بر آزادی علمی است. جان هنری نیومن، از فلاسفه تعلیم و تربیت غربی می‌نویسد:

کسب حقیقت و بصیرت به خیر کلی و نیز پرورش نیروی عقل در جهت دادن پیوند میان حقایق گوناگون جهان (وحدت در کثرت) بدون اغراض مادی و شهرت‌طلبی، هدف اصلی آموزش است.^{۹۹}

معارف قرآن کریم، تعصب و تقلید را نقطه مقابل حقیقت‌گرایی می‌داند که نتیجه تحجرگرایی و جمود است و راه اصلاح و تربیت فرد و جامعه را می‌بندد.^{۱۰۰} از این رو، وظیفه معلم، نشان دادن مسیر صحیح زندگی به دانش‌آموز است تا وی با آزادی علمی، حقیقت را بشناسد و روحیه مستقل حقیقت‌طلبی در او شکل بگیرد؛ زیرا حقیقت‌طلبی و تربیت عقلی بدون آزادی علمی امکان‌پذیر نیست. یکی از راه‌های این حق‌گرایی، ایجاد معرفت و اعتقاد قلبی

تربیت به عنوان فرآیندی که نتیجه آن فقط در مقام عمل روشن می‌شود، دارای وجهه‌ای کاملاً عملی و کاربردی است. از این جهت، هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. هدف‌های خرد این نوع از تربیت را با سه محور یادشده عقلانیت، معنویت و مدنیت می‌توان حول محورهای زیر ذکر کرد:

الف) هدف‌های خرد مبتنی بر عقلانیت نقاد

۱. خردورزی

یکی از اهداف مهم تربیت از دیدگاه اسلام، خردورزی و عقل‌گرایی است. تعقل و عقل‌گرایی در رفتارهای انسان زمینه رشد و شکوفایی افراد و جامعه دینی را فراهم می‌سازد. قرآن کریم در موارد متعدد و به مناسبت‌های مختلف، بر ضرورت به‌کارگیری عقل تأکید کرده است تا رشد و شکوفایی عقلی انسان‌ها در زندگی فراهم شود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن کریم و روایات، انسان‌ها با برخوردار از عقل و به‌کارگیری آن می‌توانند درست را از نادرست تشخیص دهند. به همین دلیل، قرآن کریم، انسان‌ها را تغییردهنده سرنوشت خود معرفی می‌کند.^{۹۶} آموزه مهدویت به عقل و عقلانیت اصیل و مستحکم و شکوفایی آن توجه ویژه دارد و یکی از اهداف حکومت موعود را عقلانیت دانسته است:

إذا قام قائمنا وضع يده على رءوس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم؛^{۹۷}
هنگامی که قائم قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان می‌گذارد و خرده‌های آنها را گرد می‌آورد و اخلاق آنها را کامل می‌گرداند.

بنابراین، مدرسه مهدوی در پی کسب دانشی استوار است که به خودی خود ارزشمند است و مایه اعتلا و شکوفایی عقل انسان و سلامت جامعه می‌شود. در آموزش حقیقی نباید توده اطلاعات ناپیوسته، پراکنده و بی‌معنی را در ذهن دانش‌آموز انباشت. چنین آموزشی خسته‌کننده و بی‌اثر است؛ زیرا او را به تحوّل، حرکت و تلاش رهنما نیست. باید با توجه به دو ملاک مهم استعداد و سعادت هر فرد و سلامت جامعه، از میان دانش‌ها و تجربه‌های بشری، آن‌چه را به حال فرد و جامعه، سودمند است، انتخاب کند

مردم به مقام الهی امام عصر و توجه دادن دانش آموز به جایگاه بلند دینی، سیاسی و اجتماعی ایشان است. پیامبر اکرم می فرماید:

من مات و لم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة؛^{۱۱}

هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است.

در فرهنگ شیعه، امام همانند پیامبر، معیار حق است و مسئولیت هدایت و تربیت مردم را بر عهده دارد. از این رو، امام صادق به زراره سفارش می کند که پیوسته بخواند:

اللهم عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني؛^{۱۲}

خدایا، حجتت را به من بشناسان؛ چون اگر معرفت حجت را به من ندهی، گمراه خواهم شد.

یعنی این که بدون امام و راهبر، بی راهه خواهم رفت؛ چون او مایه هدایت و تربیت است.

۳. موقعیت شناسی

رفتار و کرداری از عقلانیت برخوردار است که بر اساس موقعیت شناسی و آگاهی به مقتضیات زمان و مکان صورت گیرد؛ به ویژه رفتارهایی که برای اهداف بزرگ در حال انجام است. تشخیص ندادن دقیق شرایط و موقعیت و اختیار نکردن مسیر صحیح می تواند در بزنگاه های تاریخی، امکان رشد و پیشرفت را از یک ملت سلب کند و حتی آن جامعه را به سرمنزل نابودی بکشاند. توجه اهل بیت به موقعیت شناسی نمایان گر این هدف مهم در رفتارهای منتظران است. از این رو، زمانی به حرکت و قیام و زمانی به استراحتی تقیه دستور داده اند. در شرایط خاص، به کارگیری «اصل تقیه و نهان کاری» حتی نسبت به نام بردن از حضرت مهدی بسیار مهم است. روزی یکی از شیعیان از ابوسهل نوبختی پرسید: چرا ناحیه مقدسه با وجود جایگاه رفیع علمی و اجتماعی تو، ابن روح (نایب سوم) را به نیابت برگزیده است؟ او در پاسخ گفت: درجه راز نگه داری ابن روح چنان بالاست که اگر او، حضرت حجت را پنهان کرده باشد، حتی در صورت قطعه قطعه کردن بدنش با قیچی، سخنی نمی گوید.^{۱۳}

از دلالت های تربیتی این هدف، توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی محیط پیرامون در امر آموزش اصول تربیتی است که در تربیت دانش آموزان نقش مهمی دارد. تأثیر آموزش ضمنی و غیرمستقیمی که فضای فرهنگی و اجتماعی محیط پیرامون بر تربیت فرد می گذارد، کمتر از آموخته های مستقیم نیست؛ چون فضای فرهنگی که دانش آموز در آن به یادگیری مشغول است، در کنه وجود فرد تأثیر می گذارد. اگر دانش آموزی وارد محیط آموزشی شود که با روح حاکم نظام ارزشی و تربیتی سازگار باشد، فرصت بهتری برای رسیدن به اهداف و آرمان ها خواهد داشت.

معارف قرآن کریم،
تعصب و تقلید را نقطه
مقابل حقیقت گرایی
می داند که نتیجه
تحرر گرایی و جمود
است و راه اصلاح و
تربیت فرد و جامعه
را می بندد. از این رو،
وظیفه معلم، نشان دادن
مسیر صحیح زندگی به
دانش آموز است تا وی
با آزادی علمی، حقیقت
را بشناسد و روحیه
مستقل حقیقت طلبی
در او شکل بگیرد؛ زیرا
حقیقت طلبی و تربیت
عقلی بدون آزادی
علمی امکان پذیر نیست.
یکی از راه های این
حق گرایی، ایجاد معرفت
و اعتقاد قلبی مردم به
مقام الهی امام عصر
و توجه دادن دانش آموز
به جایگاه بلند دینی،
سیاسی و اجتماعی
ایشان است

۴. آینده‌نگری

آینده‌نگری، آینده‌اندیشی و توجه به امکانات و آینده‌هایی که احتمال پدیدار شدن آنها زیاد است، از جنبه‌های مهم و اساسی یک منتظر موعود به شمار می‌رود. توجه به آینده، برخلاف تحجر، ماندن و درجا زدن، سبب ارتقا، رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، بدون فرجام‌شناسی، شناخت آینده و چگونگی سیر حال به آینده، نمی‌توان به تربیت سازنده دست یافت. آموزه مهدویت در خود، نگرش امیدوارانه به آینده را پروراند است و زمینه‌سازی برای ظهور نیز مستلزم توجه به آینده و موقعیت‌های فرارو خواهد بود. پیامبر اکرم می‌فرماید:

لا تودبوا اولادکم بأخلاقکم لانهم خلقوا لزمان غیر زمانکم؛^{۱۰۴}

فرزندانتان را به اخلاق خودتان تربیت نکنید، برای این که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

کانت، از فلاسفه بزرگ غرب، می‌نویسد:

یکی از اصول تعلیم و تربیت که باید همواره مد نظر طراحان برنامه‌های تربیتی باشد، این است که کودکان را نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر، بلکه برای شرایط بهتر احتمالی آینده آن، یعنی منطبق با انگاره آدمیت و مقصد کلی آن تربیت کرد.^{۱۰۵}

ب) هدف‌های خرد مبتنی بر معنویت پویا

۱. تعهد و وفاداری

کسب دانش برای رسیدن به رفاه مادی یا سودآوری به ابزاری خطرناک مبدل می‌شود که تیغ تیزی در دست زنگی مست است. از این رو، علم بدون تعهد اخلاقی، مردود است؛ چون علمی که پشتوانه اخلاقی نداشته باشد، در مسیر سعادت نیست. بنابراین، دانش باید موجب نوعی تعهد و وفاداری به حقیقت و ارزش‌های انسانی شود که از درون تفکر و آگاهی برخاسته باشد. فرد تربیت شده، دانش خود را در منظری کلی و در رابطه با دیگر مسائل علمی، فرهنگی و اخلاقی می‌بیند. درک این منظر کلی، با دانش سطحی و محفوظات به دست نمی‌آید، بلکه عالم باید از تأثیر علمش بر دیگر شعبه‌های علم و کل زندگی انسان آگاه باشد و در

تغییر رفتار در قبال هم‌نوعان و جهان مؤثر باشد. آن چه بیش از هر امری این پشتوانه را در دانش آموز ایجاد می‌کند، ایمان دینی است. ایمان دینی، عاملی برای استقامت، پایداری و به تحرک درآوردن نیروی حیات و ارزش‌های انسانی است.^{۱۰۶}

رسول اکرم فرمود:

والَّذی بعثنی بالحقّ بشیراً، إنّ الثابتین علی القول به فی زمان غیبه لأعزّ من الکبریت الأحر.^{۱۰۷}

سید الساجدین ، منتظران را برترین مردم همه روزگاران برمی‌شمارد که پس از پذیرش خردمندانه امامت حضرت حجت ، بر خوبی‌ها پایداری می‌کنند:

... إنّ أهل زمان غیبه القائلون بإمامته المتظرون لظهوره أفضل أهل کل زمان؛^{۱۰۸}

آن گروه از مردم عصر غیبت امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته‌اند و منتظر ظهور اویند، برترین مردم روزگاران هستند.

از این رو، گسترش ایمان و اخلاق از دیگر اهداف مدرسه مهدوی به شمار می‌رود. توسعه و هدایت محبت و عشق ذاتی انسان‌ها به منجی موعود که در مذهب تشیع به حضرت حجت تعلق گرفته، از راه کارها و راهبردهای مهم ایجاد حس تعهد و وفاداری به حقیقت و ارزش‌های انسانی است؛ زیرا این محبت، ما را به اطاعت و وفاداری می‌رساند و موجب گسترش ارزش‌های دینی و انسانی در سطح جامعه می‌شود. در روایت می‌خوانیم:

هل الدین الآ الحبّ و البغض؛^{۱۰۹}

آیا دین جز دوست داشتن و دشمن داشتن است؟

و یا:

هل الایمان الآ الحبّ و البغض؛^{۱۱۰}

آیا ایمان جز دوست داشتن و دشمن داشتن است؟

۲. رشد و کمال جویی

گرایش به رشد و تعالی در نهاد هر انسانی نهفته است. انسان رشدیافته کسی است که شایستگی و لیاقت اداره و نگاه‌داری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی را که به او

سپرده می‌شود، داشته باشد.^{۱۱۱} کسانی که از این ویژگی برخوردار باشند، می‌توانند در جامعه نقش آفرین و تأثیرگذار باشند و مسیر جامعه را به سمت پیشرفت و تعالی هدایت و حرکت دهند. رشد و تعالی، شرط اصلی آزادی و مسئولیت است و بدون این ملکه مهم نمی‌توان زمام کار خود و جامعه را به دست گرفت. رشد انواعی دارد از جمله: رشد مالی، رشد خانوادگی، رشد اخلاقی، رشد اجتماعی، رشد سیاسی، رشد دینی و اسلامی.^{۱۱۲} از این رو، یکی از اهداف اساسی مدرسه مهدوی، رشد، تعالی و کمال‌جویی است؛ زیرا زمینه‌سازی ظهور در حقیقت، بسیج کردن نیرو و امکانات و بهره‌برداری صحیح از آنهاست. منتظر تربیت‌شده رشید، کسی است که امکانات و سرمایه‌های خود، دردهای و کمبودها و موانع کارش را تشخیص دهد و راه چاره آن دردها و رفع آن نیازها را بشناسد و نسبت به آنها دغدغه داشته باشد. مدرسه مهدوی باید نسبت به انواع رشد، برنامه و طرح اجرایی داشته باشد؛ زیرا آموزه مهدویت، نمونه‌ای از تعالیم رشددهنده دین اسلام است. استاد مطهری می‌نویسد:

رشد اسلامی متضمن رشد اخلاقی و رشد اجتماعی و رشد سیاسی هم هست؛ زیرا در اسلام، هم اخلاق است و هم مسئولیت اجتماعی و هم مسئولیت سیاسی و هم مسئولیت رهبری حزبی و رهبری معنوی.^{۱۱۳}

۳. عدالت‌گرایی

عدالت‌گرایی، محور قرار گرفتن اصل عدالت در تمامی رفتارهاست. آموزه‌های دینی بیان‌گر سفارش‌های متعددی نسبت به این اصل هستند و با تأکید بر اهمیت آن، این اصل را برخاسته از رسالت پیامبران معرفی می‌کند. قرآن کریم در آیات متعددی به این اصل سفارش می‌کند. از جمله خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ^{۱۱۴}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.

مشارکت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وقتی مشارکتی سازنده و اثربخش خواهد بود که روحیه عدالت‌خواهی در جامعه وجود داشته باشد تا افراد جامعه به‌طور زنده و پویا، حضور فعال داشته باشند و به واسطه این روحیه، ارزش‌ها در جامعه، ایجاد و مستحکم می‌شوند. ایجاد عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق خود و ضعیفان، که از مصداق‌های برجسته عدالت است، بخشی از حقوق مردم به شمار می‌رود. توانگران و حکومت‌ها همیشه این حق را تهدید و محدود می‌کنند. قرآن سفارش کرده است که هرگاه ظلمی بر کسی وارد شد، باید به مؤمنان پناه ببرد؛ زیرا:

یکی از اهداف اساسی مدرسه مهدوی، رشد، تعالی و کمال‌جویی است؛ زیرا زمینه‌سازی ظهور در حقیقت، بسیج کردن نیرو و امکانات و بهره‌برداری صحیح از آنهاست. منتظر تربیت‌شده رشید، کسی است که امکانات و سرمایه‌های خود، دردهای و کمبودها و موانع کارش را تشخیص دهد و راه چاره آن دردها و رفع آن نیازها را بشناسد و نسبت به آنها دغدغه داشته باشد. مدرسه مهدوی باید نسبت به انواع رشد، برنامه و طرح اجرایی داشته باشد؛ زیرا آموزه مهدویت، نمونه‌ای از تعالیم رشددهنده دین اسلام است



موفقیت‌های خوشه‌ای دیگر می‌شود و ملت ایران این واقعیت را در دفاع مقدس و عرصه‌های مختلف تجربه کرده است.^{۱۳۱}

ج) هدف‌های خرد مبتنی بر مدنیت پایدار

۱. مشارکت‌طلبی

از دیدگاه اسلام، مشارکت در زندگی سیاسی اجتماعی یک حق و در عین حال، تکلیف به حساب می‌آید. در این منابع، آموزه‌های متعددی بر اصل مشارکت‌طلبی در زندگی سیاسی و اجتماعی دلالت می‌کنند. استاد مطهری می‌نویسد:

اهمیت ندادن به پُست‌ها و سنگره‌های اجتماعی و رها کردن آنها، عین واگذاری آن پست‌ها به دشمنان [است]. یکی از علایم بی‌رشدی ما این است که ما مسلمانان پست‌های حساس اجتماعی را دو دستی به دشمنان خودمان واگذار می‌کنیم. آنها مثل کسی که بچه را گول بزند، کخ کخ می‌کنند و ما هم آنها را جلوی آنها می‌اندازیم و در واقع، دوست دشمنان خود، و دشمن دوستان خود هستیم.^{۱۳۲}

انسان منتظر باید در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی محیط خود، ناظری فعال و کنش‌گری تأثیرگذار باشد تا شرایط را آن‌گونه که می‌پسندد، تغییر دهد و زمینه ظهور موعود را آماده سازد. امامان معصوم در روایات متعددی بر اهمیت مشارکت در زمینه‌سازی ظهور تأکید کرده‌اند. امام صادق می‌فرماید:

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم عده فراهم کند، هرچند یک تیر باشد.^{۱۳۳}

ائمه اطهار به دعا برای تعجیل فرج سفارش‌های فراوانی کرده‌اند:

و أكثرُوا الدَّعَاءَ بتعجیل الفرج فإنَّ ذلك فرجکم؛^{۱۳۴} برای شتاب در فرج، بسیار دعا کنید؛ زیرا در آن برای شما گشایش است.

دعا کردن، یکی از انواع مشارکت‌طلبی است. امام علی می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ^{۱۳۵} و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد، یاری می‌جویند [و به انتقام برمی‌خیزند].

و مؤمنان نیز باید به دفاع از حقوق برادران ایمانی خود برخیزند. تأکید قرآن کریم بر عدالت‌خواهی و مطالبه حقوق خود و جامعه از مصداق‌های مهم بایسته‌های منتظران و زمینه‌سازان ظهور است.^{۱۳۶} مقام معظم رهبری در توجه به اصل عدالت‌گرایی فرموده است:

پرچم عدالت‌خواهی را همواره پیامبران الهی و پیروان راستین آنان بر دوش کشیده‌اند. امروز و همیشه مجاهدت در زیر این پرچم، صادقانه‌ترین نشانه پیروی از رسولان الهی است.^{۱۳۷}

۴. خودباوری و اعتماد به نفس

یکی از اصول پایه‌ای و شرایط لازم جهاد برای اقامه حق و زمینه‌سازی تحقق آن، اعتماد به نفس و راه ندادن ترس و ضعف به خود است. در حقیقت، آن‌چیزی که ستم‌گران و زورمندان را نسبت به ناتوانان و افراد جامعه گستاخ می‌کند، همان ضعف و ناتوانی و نداشتن اعتماد به نفس است. از این رو، مؤمنان و یاوران موسی پس از آن‌که توکل کردند، از خداوند خواستند نتیجه ضعف را که همان فتنه است و سبب ذلت آنها می‌شود، از باطن آنها سلب کند.^{۱۳۸} هم‌چنین خداوند متعال به مادر موسی امر فرمود که کودک خود را به دریا افکن و دیگر ترس و ناراحتی به خود راه مده؛^{۱۳۹} زیرا امور زمین و آسمان در دست قادر متعال است.

اعتماد به نفس، خودباوری و عزت‌مندی، از ارکان زندگی اجتماعی و فعالیت‌های تشکیلاتی است. قرآن کریم، عزت و سربلندی را نزد خداوند و رسول او و مؤمنان می‌داند.^{۱۴۰} از این رو، رهبر انقلاب اسلامی در تبیین آثار مثبت اعتماد به نفس ملی می‌گوید:

اگر این عامل اساسی در ملتی وجود نداشته باشد، آن ملت همیشه عقب می‌ماند و چشم به راه کمک دیگران است، اما برخوردار از اعتماد به نفس عمومی، اندیشه تأمین نیازهای ملت را در اذهان نخبگان مطرح می‌سازد، باعث به‌کارگیری و شکوفایی استعدادها می‌شود و موفقیت‌هایی به دنبال می‌آورد که هر یک زمینه‌ساز

الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ؛^{۱۲۵}

دعاکننده بدون عمل مثل تیرانداز بی کمان است.

اگر این فرمایش امیر مؤمنان علی را به آن ضمیمه کنیم، روشن می‌شود که دعا کردن همراه با حرکت و مشارکت، مقصود بوده است. بنابراین، آماده شدن مردم برای مشارکت در عرصه‌های مختلف جامعه، در راستای رشد و بالندگی دولت زمینه‌ساز در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اقتضا می‌کند که مدرسه مهدوی نسبت به تخصص‌گرایی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای طرح و برنامه داشته باشد.

۲. مسئولیت‌پذیری

آموزه‌های دینی همواره انسان را موجودی مسئول در برابر سرنوشت خود و جامعه معرفی کرده‌اند. بر اساس این آموزه‌ها یک شهروند مسلمان هیچ‌گاه نباید نسبت به این سرنوشت بی‌اعتنا باشد و موظف است در حوادث مختلف واکنش مناسبی انجام دهد. از این رو، از دیدگاه اسلام، بی‌اعتنایی در زندگی سیاسی و اجتماعی، مردود است و انسان، مسئول شناخته می‌شود. این مسئولیت‌پذیری در دو سطح مطرح شده است؛ سطح فردی و سطح اجتماعی. مسئولیت‌پذیری در سطح فردی ناظر به سرنوشت فردی است. انسان مسلمان نسبت به سرنوشت خود همواره مسئول شناخته می‌شود. این مسئولیت‌پذیری از خصلت ذاتی اراده و اختیار وی برمی‌خیزد. این ویژگی، شخصیتی مستقل و آزاد به انسان می‌بخشد و به همین دلیل، وی از نظر تکوینی، در انتخاب راه، آزاد است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛^{۱۲۶}

ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس‌گزار.

مسئولیت‌پذیری در سطح اجتماعی، ناظر به زندگی جمعی انسان است. انسان مسلمان بر اساس آموزه‌های دینی، نسبت به مسائل اجتماعی در جامعه خود کاملاً مسئول شناخته می‌شود. این هدف، همگان را در برابر جامعه مسئول می‌داند، و منتظران واقعی به گونه‌ای تربیت می‌شوند که در مشارکت خود مسئولیت‌پذیری دارند. قرآن کریم در آیات متعددی در قالب آموزه امر به معروف و نهی از منکر، بر اصل مسئولیت اجتماعی مسلمانان در زندگی جمعی خود تأکید کرده است. برای نمونه، خداوند می‌فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛^{۱۲۷}

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند.

هم‌چنین قرآن کریم به مسئله مسئولیت اجتماعی^{۱۲۸} و توجه به امور هم‌نوعان توجه ویژه‌ای دارد و از انسان‌ها خواسته است با یکدیگر در ارتباط باشند و در امور مختلف، از

بنابراین، آماده شدن مردم برای مشارکت در عرصه‌های مختلف جامعه، در راستای رشد و بالندگی دولت زمینه‌ساز در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اقتضا می‌کند که مدرسه مهدوی نسبت به تخصص‌گرایی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای طرح و برنامه داشته باشد

یکدیگر پشتیبانی کنند.^{۱۲۹} پیامبر اکرم فرمود:

مثل مؤمنان در ترخّم و دوست داشتن یکدیگر، مانند پیکر واحدی است که اگر عضوی را ناراحتی برسد، سبب تب و بیداری دیگر اعضای او از خواب می‌شود.^{۱۳۰}

۳. میانه‌روی، انعطاف‌پذیری و تحول‌گرایی

بقای هر هستمندی در گرو میانه‌روی و انطباق با شرایط متحول شونده محیط است. ایجاد ارتباط سازنده با رقیبان و حریفان، لازمه رشد و قرار گرفتن در جایگاه مناسب است و داشتن نگاه‌های بسیار متعصبانه که مبتنی بر درک و شناخت آگاهانه نباشد، موجب حذف یا کنار رفتن از جامعه می‌شود. از این رو، قابلیت انعطاف و تطبیق با شرایط برای هر ارگانیسمی که بخواهد از دچار آمدن به سرنوشت دایناسورها پرهیز کند، روحیه و ابزاری، ضروری است. «در هزاره سوم که اکنون در آغاز آن قرار داریم، موفقیت در عرصه‌های مختلف، نصیب افراد، نهادها و اقوامی خواهد شد که با برخورداری از توانایی‌های معرفتی و شجاعت اخلاقی و آینده‌نگری و بصیرت، و با نظر به زمینه‌ها و حوزه‌های در حال ظهور، به مدد عرضه طرح‌های جسورانه و جامعه، پیشاپیش به استقبال امواج دگرگون‌ساز تحولات بروند و در مقام یک عامل و بازیگر فعال، و نه هم‌چون یک ناظر منفعل، مسیر حوادث را در جهت دیدگاه‌های خود رقم بزنند».^{۱۳۱}

تجگرگرایی به معنای درجا زدن و تثبیت همه روش‌ها، سنت‌ها و آداب در جامعه، با تحول‌گرایی در تعارض است. از این رو، قرآن کریم به نکوهش مردمانی می‌پردازد که از هرگونه نخواستگی و تحول می‌هراسند و به تمامی سنت‌های پدران خود وابسته‌اند و هرگز حاضر به جدا شدن از آنها نیستند. تعصب و تقلید، دو نتیجه تججرگرایی و جمود است که راه را بر اصلاح و پیشرفت جامعه می‌بندد.^{۱۳۲} در این میان، انسان منتظر زمینه‌ساز باید با پای‌بندی به مبانی و اصول، تحول‌گرا باشد؛ زیرا تحول‌گرایی و انعطاف‌پذیری در مقابل مقتضیات زمان، راه ماندگاری و پیشبرد اهداف و اصول را فراهم می‌سازد. بنابراین، انسان منتظر برای نقش‌آفرینی در جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های پیشرفت و ارتقای علمی و فرهنگی اجتماع باید همواره به صورت مستمر، رفتار خود را بررسی کند و بر مبنای ارزش‌یابی واقع‌بینانه از شرایط متحول‌شونده بیرونی،

در ساختار و تاکتیک‌های خود تغییرات لازم را بدهد و راه‌بردهای تازه و کارآمدتری را برای دستیابی به اهداف مورد نظر تدوین کند. از این رو، میانه‌روی، انعطاف‌پذیری و تحول‌گرایی در مقابل تججر، جمود و بی‌اعتنایی، از اصول مهم فعالیت‌ها و مشارکت‌های منتظران است.

۴. هم‌گرایی و سعه صدر

پیشرفت و قدرت در هر جامعه و سازمانی، تابع انسجام همه امکانات آن جامعه است و تا زمانی که عناصر مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه، انسجام و منطق درونی نداشته باشند، نمی‌توان در راه پیشرفت گام نهاد. از این رو، یکی از اصول مشارکت سیاسی و نقش‌آفرینی در سرنوشت خود و جامعه، اتحاد و هم‌گرایی است. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که وحدت مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است. خداوند در قرآن کریم خطاب به شهروندان اسلامی می‌فرماید:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛^{۱۳۳}

و چون کسانی مباشید که پس از آن‌که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است.

و نیز فرمود:

لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ
مَعَ الصَّابِرِينَ؛^{۱۳۴}

با هم نزاع مکنید که سُست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید؛ که خدا با شکیبایان است.

امام صادق می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَاسٍ لَا وَاللَّهِ حَتَّى
تَمَيِّزُوا؛^{۱۳۵}

این امر تحقق نخواهد یافت، مگر بعد از ناامیدی از دیگران. نه، به خدا سوگند، امر ظهور به وقوع نخواهد پیوست تا زمانی که بر اثر اثباتات شدید، ماهیت افراد، آشکار شود و صف‌بندی‌ها مشخص گردد.

بنابراین، منتظران واقعی در فعالیت‌های فردی و تشکیلاتی باید در برابر سختی‌ها و مشکلات از حوصله و تحمل بالایی برخوردار باشند تا بتوانند بر شتاب‌زدگی خود مسلط شوند و در برخورد با مسائل و مشکلات پیش رو، عاقلانه و مدبرانه عمل کنند. اگر فعال فرهنگی یا سیاسی در مقابل پدیده‌ای اجتماعی، شتاب‌زده عمل کند، دوراندیشی و عاقبت‌نگری لازم را ندارد؛ چون هیجان‌ها و احساسات روحی و دغدغه‌ها و حساسیت‌های درونی غلیان می‌کند و جلوی اندیشه او را می‌گیرد. از این رو، یکی از شرایط داشتن روح بزرگ، صبر، سعه صدر و تحمل مشکلات است. از دیدگاه قرآن کریم، استقامت و صبر در برابر مشکلات و امتحانات، انسان را پخته و لایق مقام حکومت و زمامداری جامعه می‌کند.^{۱۳۶} هم‌چنین قرآن، ثبات قدم و استواری در راه را عامل رسیدن به پیروزی در صبر و سعه صدر معرفی می‌کند:

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَبَثِّ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛^{۱۳۷}

پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛^{۱۳۸}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهدارید و از خدا پروا داشته باشید. امید است که رستگار شوید.

نتیجه

در این مقاله به اثبات رسید که زمینه‌سازی و آماده کردن جامعه متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی جهت ظهور منجی بشر، نیازمند توجه به نقش انسان و نیروسازی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات اجتماعی به شمار می‌رود. از این رو، دولت زمینه‌ساز باید به سیاست‌گذاری در امر تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه مهدویت و انتظار اهتمام ورزد؛ چون تربیت نیرو، به تعلیم و تربیت متناسب با مبانی و اهداف آموزه مهدویت نیاز دارد. به همین دلیل، تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، از ضروریاتی است که در زمینه‌سازی برای ظهور نقش محوری و مهمی ایفا می‌کند. در ادامه روشن شد که آموزه مهدویت و انتظار، ظرفیت‌ها و دلالت‌های فراوان تربیتی برای تأسیس فلسفه و نظام آموزش و پرورش مهدوی دارد. برخی نتایج و آثار آموزه مهدویت و انتظار در مبانی و اهداف آموزش و پرورش نیز بیان شد.

تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، از ضروریاتی است که در زمینه‌سازی برای ظهور نقش محوری و مهمی ایفا می‌کند. در ادامه روشن شد که آموزه مهدویت و انتظار، ظرفیت‌ها و دلالت‌های فراوان تربیتی برای تأسیس فلسفه و نظام آموزش و پرورش مهدوی دارد

پی‌نوشت‌ها

- * دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان.
۱. درباره نظریه‌های مربوط به تغییرات اجتماعی نک: گی روزه، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش؛ مصطفی ملکوتیان، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴ش؛ مرتضی مطهری، *فلسفه تاریخ*، ج ۱، ص ۱۵-۱۱۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ش؛ فرامرز رفیع‌پور، *توسعه و تضاد*، ص ۲۵-۱۰۵، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ش.
 ۲. نجف لک‌زایی، *اندیشه سیاسی آیه‌الله مطهری*، ص ۲۲۷، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
 ۳. سید محمدباقر صدر، *رهبری بر فراز قرون* (گفت‌وگو درباره امام مهدی)، تحقیق: دکتر عبدالجبار شراره، ترجمه: مصطفی شفیعی، ص ۱۰۶، تهران: انتشارات موعود، ۱۳۸۲ش.
 ۴. «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.» (سورهٔ رعد، آیهٔ ۱۱)
 ۵. سید محمدباقر صدر، *سنت‌های تاریخ در قرآن* (تفسیر موضوعی)، ترجمه: سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، ص ۱۴۶، تهران: انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱ش.
 ۶. همان.
 ۷. وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجْعَلُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ .
 ۸. *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ص ۱۴۹.
 ۹. همان، ص ۱۵۰.
 ۱۰. *رهبری بر فراز قرون*، ص ۱۰۹.
 ۱۱. مرتضی مطهری، *یادداشت‌ها*، ج ۲، ص ۱۶۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ش.
 ۱۲. یان روکس برو، *نظریه‌های توسعه‌نیافتگی، جامعه‌شناسی توسعه*، ترجمه: مصطفی ازکیا، ص ۵۳، تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۰ش.
 ۱۳. ف. مایر، *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*، ترجمه: ع. فیاض، ص ۴۵، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴ش.
 ۱۴. مرتضی مطهری، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۱۸۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ش.
 ۱۵. به نقل از: فاطمه زیباکلام مفرد، *مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام*، ص ۳۰، تفرش: انتشارات مجتمع آموزشی و پژوهشی، ۱۳۸۴ش.
 ۱۶. به نقل از: فیلیپ جی اسمیت، *فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه: سعید بهشتی، ص ۵۹، مشهد: شرکت به‌نشر (آستان قدس)، ۱۳۷۰ش.
 ۱۷. عبدالعظیم کریمی، *سازده‌های تربیت و دموکراسی*، ص ۲۲، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰ش.
 ۱۸. به نقل از: *مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام*، ص ۱۰۱.
 ۱۹. حسین دهقان، «توسعه انسان‌محور و آموزش و پرورش به‌آفرین»، منتشر شده در: محمدعلی محمدی و حسین دهقان، *آموزش و پرورش و گفت‌وگو*، تهران: مؤسسه پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳ش.
 ۲۰. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۷، ص ۴۹، ح ۱۸، بیروت: مؤسسه الوفاء،

چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۲۱. *رهبری بر فراز قرون*، ص ۱۰۸.
۲۲. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۸.
۲۳. همان، ص ۸۴.
۲۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۲۵، ح ۱۰۴.
۲۵. علی بن موسی حلّی (سید بن طاوس)، *الملاحم و الفتن*، ص ۵۲، نجف، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. زین‌الدین علی عاملی (شهید ثانی)، *منیة المرید* (به نقل از: فصل‌نامه انتظار موعود، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۸)
۲۷. مثلاً در اصل چهارم از اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش آمده است: «در آموزش و پرورش، نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی، برحسب اقتضا و گنجایش، جنبه و جهت دینی داشته باشد. برنامه‌ریزان و معلمان باید در همه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، بنا بر مقتضیات خاص هر موضوع، به جنبه‌های الهی و تقویت بینش دانش‌آموزان توجه کنند.» (نک: اصول حاکم بر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸)
۲۸. با تخلص این‌جانب در متون آموزشی مدارس ایران، از مهدکودک تا پیش‌دانشگاهی، فهرست مطالب قابل توجه در مورد ابعاد مختلف آموزه مهدویت و انتظار به این شرح است:
 ۱. سال دوم دبستان: در کتاب هدیه‌های آسمانی (تعلیم و تربیت اسلامی)، ۱۳۸۷، در دو صفحه، پنج سطر (۳۵ کلمه) به همراه یک نقاشی، به معرفی روز نیمه شعبان به عنوان جشن میلاد امام زمان پرداخته شده است.
 ۲. سال دوم راهنمایی: در کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، ۱۳۸۷، در درس سیزدهم، در چهار صفحه، به این مباحث اشاره شده است: تولد، غیبت صغرا و کبری، حدیث استفاده از نور خورشید از پشت ابر، ترسیم کوتاه از ظهور، فقیه عادل به عنوان جانشین حضرت در دوران غیبت.
 ۳. سال سوم دبیرستان: در کتاب دین و زندگی، ۱۳۸۷، دو فصل به موضوع امام زمان و انتظار و دو فصل به موضوع وظایف دوران غیبت و ولایت فقیه در پنجاه صفحه آمده است. فهرست مطالب عبارتند از: درس نهم در ۱۴ صفحه با عنوان «خورشید پنهان»: تاریخ حیات امام زمان، علت غیبت چیست، چگونگی امامت حضرت در عصر غیبت، زمان پایان غیبت، یاران راستین امام؛ درس دهم در ۱۷ صفحه با عنوان «در انتظار طلوع»: ذکر چند آیه از آیات قرآن مربوط به مهدویت، آینده تاریخ، موعود و منجی در ادیان، موعود در اسلام، چگونگی عمر طولانی حضرت، انتظار فردی و جمعی موعود، بیان رهبر معظم انقلاب درباره ویژگی‌های منتظران، قسمتی از دعای عهد و دو شعر، مسئولیت منتظر، جهانی‌شدن، جهانی‌سازی و مهدویت؛ درس یازدهم در ۱۰ صفحه با عنوان «تداوم امامت در عصر غیبت»: ولایت معنوی امام در عصر غیبت کبریا، مرجعیت علمی در غیبت کبریا، حکومت اسلامی در غیبت کبریا، آیه نفر، روایت حضرت حجت در مورد رجوع به روایت حدیث، شرایط مراجع، راه‌های شناخت فقیه واجد شرایط؛ درس دوازدهم در یازده صفحه با عنوان «ولایت فقیه شکل حکومت اسلامی در عصر غیبت»: گزینش ولی فقیه، تفاوت انتخاب ولی فقیه و مرجع، جمع ولایت و مرجعیت، نظام اسلامی و دموکراسی، رابطه رهبر و مردم، نسبت مردم با حکومت اسلامی، تشکیل

50. normative philosophy.

51. analytical philosophy.

۵۲. به نقل از: *فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز*، ص ۱۰۹.
۵۳. همان.
۵۴. آرنولد گریز، *فلسفه تربیتی شما چیست؟*، ترجمه: بختیار شعبانی ورکی و دیگران، ص ۵۱، مشهد: انتشارات به‌نشر، ۱۳۸۳ ش.
۵۵. برای شناخت فلسفه‌های تعلیم و تربیت در غرب نک: *فلسفه تربیتی شما چیست؟ آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش: زمینه‌ای برای بازنشاسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب*؛ سید احمد رهنمایی، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷ ش.
۵۶. نک: *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، ص ۲۱۷ - ۲۹۷.
۵۷. همان، ص ۶۸.
۵۸. محمدتقی مصباح یزدی، «مبانی و اصول تعلیم و تربیت»، www.mesbahyazdi.org.
۵۹. مرتضی مطهری، *سیری در سیره ائمه اطهار*، ص ۲۹۸، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ش.
۶۰. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۶۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.
۶۲. رهبری بر فراز قرون، مقدمه.
۶۳. مرتضی مطهری، *قیام و انقلاب مهدی*، ص ۵ - ۷.
۶۴. الغیبه (نعمانی)، ص ۱۳۸.
۶۵. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۱۹۷، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.
۶۶. *بحار الانوار*، ج ۹۹، ص ۱۰۴.
۶۷. همان، ج ۲۳، ص ۵۰.
۶۸. سوره بقره، آیه ۳۰.
۶۹. عبدالله جوادی آملی، *امام مهدی؛ موجود موعود*، ص ۱۰۶، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۷۰. عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، *نورالتقلین*، ج ۲، ص ۳۹۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق؛ محمد محمدی ری‌شهری، *میزان‌الحکمة*، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۱۶۹، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷ ش.
۷۱. رحیم کارگر، «فلسفه نظری تاریخ و دکتین مهدویت»، فصل‌نامه *انتظار*، ش ۱۷، ص ۹۷.
۷۲. علی المتقی بن حسام الدین الهندی، *کنز العمال*، ح ۳۸۶۹، ص ۳۸۷۰۰، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ ق؛ *میزان‌الحکمة*، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۲۴۴.
۷۳. *نهج‌البلاغه*، ح ۱۳۸.
۷۴. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۱۰۳.
۷۵. سوره رعد، آیه ۱۱.
۷۶. سوره بقره، آیه ۱۲۴.
۷۷. به نقل از: محمدهادی یوسفی غروی، «فلسفه غیبت از منظر روایات»، فصل‌نامه *انتظار*، ش ۷.
۷۸. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۷۸؛ *میزان‌الحکمة*، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۸۰۶.
۷۹. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *الامالی*، ص ۱۵۷، ح ۱۵، قم:

- حکومت اسلامی در عصر غیبت، قسمتی از دعای عهد.
۲۹. نگارنده و جمعی از دوستان، چندین سال با حضور در مدارس مقاطع مختلف شهرهای کشور - اعم از بزرگ و کوچک کشور - به عنوان مربی و مبلغ دینی، این ضعف معرفتی و رفتاری را مشاهده و تجربه کرده‌ایم.
۳۰. مجتمع فرهنگی آموزشی علامه طباطبایی، *وضع مطلوب و موجود تربیت دینی و اخلاقی* (بررسی پژوهش‌های آماری نقصان‌های تربیت دینی و اخلاقی در آموزش و پرورش)، سایت آفتاب www.aftab.ir.
۳۱. همان.
۳۲. مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام، ص ۸۴.
۳۳. اسماعیل شفیعی سروستانی، ماهنامه *موعود*، پیش شماره اول، سرمقاله.
۳۴. سیدحسین نصر، *در جست‌وجوی امر قدسی* (گفت‌وگوی رامین جهانگلو با سیدحسین نصر)، ترجمه: سیدمصطفی شهرآیینی، ص ۱۱۵، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
۳۵. *یادداشت‌ها*، ج ۲، ص ۱۶۴.
۳۶. نک: جی. اف. نلر، *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه: فریدون بازرگان دیلمقانی، ص ۱۶، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵ ش؛ سعید بهشتی، *زمینه‌ای برای بازنشاسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب*، ص ۲۳، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش؛ سعید بهشتی، «فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز»، *مجله قیسات*، ش ۳۹، ص ۱۰۹.
۳۷. سخن‌رانی در جمع پرستاران، معلمان و کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۸/۲/۹.
۳۸. محمود صناعی، *آزادی و تربیت*، ص ۸۰، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش.
۳۹. علی شریعتمداری، *جامعه و تعلیم و تربیت*، ص ۱۱۰، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
۴۰. اسماعیل شفیعی سروستانی، «امور پرورشی، نسل نو و فرهنگ انتظار»، ماهنامه *موعود*، ش ۷۵.
۴۱. سوره نور، آیه ۵۵.
۴۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، *منتخب‌الائثر*، ح ۱۲۵۶، تهران: انتشارات مکتب الصدر، ۱۳۷۲ ش.
۴۳. محمد بن حسن الحرّ عاملی، *وسائل‌الشیعه*، ج ۲، ص ۵۴۴، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴۴. محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۲۰۰، تهران: انتشارات صدوق، بی تا؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
۴۵. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۸۴.
۴۶. محمد بن علی بن حسین صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ج ۲، ص ۶۴۵، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۴۷. محمدتقی اصفهانی، *مکیال‌المکارم*، ج ۲، ص ۱۵۲، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۷۲ ش؛ مرتضی مطهری، *قیام و انقلاب امام مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، ص ۱۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۴۸. نگارنده پیش از این، به ابعاد سیاسی و اجتماعی تربیت در پرتو مهدویت و انتظار پرداخته که آن مقاله در چهارمین همایش بین‌المللی دکتین مهدویت ارائه شد. (نک: «تربیت سیاسی در پرتو انتظار»، فصل‌نامه علمی - تخصصی *مشرق موعود*، سال دوم، ش ۶، تابستان ۱۳۸۷، ویژه‌نامه برگزیده مقالات چهارمین همایش بین‌المللی دکتین مهدویت)
49. speculative philosophy.

- مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۰۷ق؛ *میزان الحکمة*، ص ۱۸۴، ح ۱۲۲۱.
۸۰. محمد بن حسن طوسی، *الغیبة*، ص ۴۷۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ *میزان الحکمة*، ص ۱۷۸، ح ۱۱۵۹.
۸۱. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷؛ *میزان الحکمة*، ص ۱۸۴، ح ۱۲۲۲.
۸۲. *قیام و انقلاب مهدی*، ص ۷.
۸۳. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۸.
۸۴. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، دعای عدیله.
۸۵. امام مهدی؛ *موجود موعود*، ص ۱۳۳.
۸۶. *الغیبة* (نعمانی)، ص ۱۵۹، ج ۵، ح ۹.
۸۷. غلامحسین شکوهی، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، ص ۱۱۶، مشهد: انتشارات به‌نشر، ۱۳۸۵ش.
۸۸. عبدالعظیم کریمی، *آموزش به مثابه پرورش*، ص ۱۸، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲ش.
۸۹. علی شریعتمداری، *رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی*، ص ۸۶، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴ش.
۹۰. به نقل از: *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، ص ۱۲۸.
۹۱. *رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی*، ص ۱۰۱.
۹۲. *آزادی و تربیت*، ص ۸۵.
۹۳. *یادداشت‌ها*، ج ۲، ص ۱۷۴.
۹۴. *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۵۶ - ۱۳۵.
۹۵. این سه اصطلاح از این منبع وام گرفته شده است: عبدالعظیم کریمی، *سازدهای تربیت و دموکراسی*.
۹۶. *سوره رعد*، آیه ۱۱.
۹۷. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۹۸. *سوره توبه*، آیه ۳۳ و ۳۴.
۹۹. به نقل از: *مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام*، ص ۹۸.
۱۰۰. *سوره بقره*، آیه ۱۷۰؛ *سوره احزاب*، آیه ۶۷.
۱۰۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۰۹، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۰۲. *الکافی*، ج ۱، ص ۳۳۷؛ *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۱۲.
۱۰۳. *الغیبة* (طوسی)، ص ۲۴۰، بیروت: انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۱۰۴. به نقل از: *یادداشت‌ها*، ج ۲، ص ۹۲.
۱۰۵. امانوئل کانت، *تعلیم و تربیت* (اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش)، ترجمه: غلامحسین شکوهی، ص ۶۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۰۶. نک: مرتضی مطهری، *انسان و ایمان (مجموعه آثار)*، ج ۲، ص ۳۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.
۱۰۷. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۳.
۱۰۸. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.
۱۰۹. *الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۵.
۱۱۰. همان.
۱۱۱. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۳، ص ۳۱۴.
۱۱۲. *یادداشت‌ها*، ج ۴، ص ۴۷۰.
۱۱۳. همان، ص ۴۷۳.
۱۱۴. *سوره مائده*، آیه ۸.
۱۱۵. *سوره شوری*، آیه ۳۹.
۱۱۶. *سوره حجرات*، آیه ۹.
۱۱۷. متن پیام رهبر معظم انقلاب به دانشجویان عدالت‌خواه، ۲۲ مرداد ۱۳۸۷.
۱۱۸. سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۰، ص ۱۸۲، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق؛ *سوره یونس*، آیه ۸۵.
۱۱۹. *سوره قصص*، آیه ۷.
۱۲۰. *سوره منافقون*، آیه ۸.
۱۲۱. سخنان مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه‌های یزد، خبرگزاری فارس، ۱۳/۱۰/۱۳۸۶.
۱۲۲. *یادداشت‌ها*، ج ۴، ص ۴۷۳.
۱۲۳. *الغیبة* (نعمانی)، ص ۳۲۰، ح ۱.
۱۲۴. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۹۲.
۱۲۵. *نهج البلاغه*، ص ۵۳۴، حکمت ۳۳۷.
۱۲۶. *سوره انسان*، آیه ۳.
۱۲۷. *سوره توبه*، آیه ۷۱.
۱۲۸. *سوره آل عمران*، آیه ۱۰۴.
۱۲۹. *سوره آل عمران*، آیه ۲۰۰؛ علامه طباطبایی ذیل این آیه در *تفسیر المیزان*، بحثی مفصل کرده است که بسیار اهمیت دارد.
۱۳۰. *بحار الانوار*، ج ۵۸، ص ۱۵۰، باب ۴۳، ح ۲۹.
۱۳۱. علی پایا، *دانشگاه، تفکر علمی، نوآوری و حیطة عمومی*، ص ۳۴، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، ۱۳۸۵ش.
۱۳۲. *سوره بقره*، آیه ۱۷۰؛ *سوره احزاب*، آیه ۶۷.
۱۳۳. *سوره آل عمران*، آیه ۱۰۵.
۱۳۴. *سوره انفال*، آیه ۴۶.
۱۳۵. *الکافی*، ج ۱، ص ۳۷۰.
۱۳۶. *سوره انبیاء*، آیه ۷۳.
۱۳۷. *سوره بقره*، آیه ۲۵۰.
۱۳۸. *سوره آل عمران*، آیه ۲۰۰.